نشانی بهشت

۱۲

بسم الله الرحمن الرحیم

نشانی بهشت: چهل درس زندگی از نگاه ائمه علیهم السلام

نویسنده:

حسین علوی مهر

ناشر چاپی:

معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نشانی بهشت: چهل درس زندگی از نگاه ائمه علیهم السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : علوی مهر، حسین، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور : نشانی بهشت : چهل درس زندگی از نگاه ائمه علیهم السلام/ حسین علوی مهر .

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : [۹۸] ص.۱۲ × ۱۶/۵ ؛ س م.

فروست : ره توشه.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۸۴-۲۸-۸

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری

فاپا

يادداشت : کتابنامه: ص. [۹۷] - [۹۸].

موضوع : علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳؟ - ۲۰۳ق. -- احادیث

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : اربعینات -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره : BP ۲۴۸/ع۷۵ن۵ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۱۶۳۵۲

ص:۱

اشاره

تقدیم:

به ساحت مقدس امام رؤف و پناهگاه همه شیعیان

امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام علیه آلاف التحیه والثناء -

ص:۵

فهرست

ص:۷

ص:۸

مقدمه

اهل بیت علیهم السلام گنجوران دانش اند. رودها و جویبارهای دانش که

مزرعه ی جان انسان را در چهارده قرن اخیر سیراب و شاداب ساخته

است، از بلندای قامت آسمانی این کوه نور، سرچشمه می گیرد. امام

عالمان و عارفان علی علیه السلام فرمود: «ینحدر عنّی السیل و لا یرقی

الی الطیر » آبادانی و شادابی دیارعلم و آگاهی؛ از تلالوء فروزنده ی

دانش این خاندان است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «انا مدینه العلم و

علیب ابها .»

دانش اهل بیت علیهم السلام از جنس دریافتنی است نه آموختنی،

علم حضوری است نه حصولی و این از آن جهت است که

آنان حقیقت علم را با جان آسمانی خویش دریافته اند. حضرت

علی علیه السلام در وصف عارفان)که خود آن حضرت مولای آنان

است(فرمود: «هجم بهم العلم علی حقیقه البصیره و باشروا روح

الیقین .»

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم سرسلسله ی این خاندان نور و روشنایی، هر چند

که خود درس ناخوانده و مکتب نرفته بود، اما پیام و رسالت او،

تلاوت و خواندن، آموختن و فرا گرفتن و علم و آگاهی بود.

رسالت او با «اقراء » آغازشد و با دانش وبینش که جان های شیفته

را سرشار می کرد، تداوم یافت. «هوالذی بعث فی الامیین رسولا

منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه . »

او با رسالت خویش، جان های مرده را از مرداب روزمرگی

و ضلالت ها تا باغستان بهشتی حیات و زندگی، رهنمون شد

و انسان اسیر در کژراهه ها و پرت گاه های تباهی را به شاهراه

نشانیب هشت

ص:۹

هدایت و صراط مستقیم فرا خواند و در تن مرده ی آدمیت روحی

دوباره دمید: «اذا دعاکم لما یحییکم » و بار گران جهل و نادانی را

از دوش آنان فرو نهاد «یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت

علیهم .»

و خاندان آن حضرت نیز که از چشمه ی حیات او سیراب بودند؛

همانند آن بزرگ، خورشید دانش و آگاهی را در گذرگاه اعصار فرا راه

جویندگان دانش و بصیرت، تابان و فروزان نگه داشتند و با بهره مندی

از انوار الهی او، مسیر پویندگان را روشن و جان جویندگان را

تابناک و سرشار ساختند.

و امروز در عصر جاهلیت مدرن نیز، آنچه غبار راه انسان کمال

جوی را فرو می نشاند و راه او را می تواند روشن کند بهره گیری

و بازگشت به سرچشمه ی همان دانش و بصیرتی است که پیامبر

اعظم و خاندان پاک و مطهر او علیهم السلام به انسان هدیه کردند و شاید

امروز بیش از هر روز و روزگاری، انسان به آنچه پیامبر رحمت

و آگاهی برای بشریت به ارمغان آورده نیازمند و محتاج باشد.

بی تردید کاوش در سرچشمه های نور اهل بیت علیهم السلام و

بازخوانی سیره و آموزه های آن بزرگواران در روزگار ما- مانند

همه ی روزگاران- خدمتی بزرگ به انسانیت است خدمتی که

فراتر از آن، خدمتی متصور نیست و از این روی بر تمامی کسانی

که دل آنان برای انسان می تپد فرض است که با ژرف اندیشی و

ژرف کاوی در معارف اهل بیت علیهم السلام گوهرهای ناب و آموزه های

رهایی بخش این گنجینه ی عظیم و الهی را استخراج کنند و به

بشر تشنه و جگر سوخته ی عصر حاضر ارائه نمایند.

بر حسب وظیفه در جوار بارگاه عالم آل محمد علیه السلام برای

نشانیب هشت

ص:۱۰

تمامی رهروان این راه و تمامی کسانی که در مسیر احیای امر

اهل بیت علیهم السلام و تعلیم و تعلم معارف و علوم این خاندان مطهر

تلاش و کوشش می کنند به ویژه اساتید بزرگوار و گرانمایها ی

که در تالیف و تنظیم این مجموعه ی ارزشمند نقش داشته اند

طلب سلامتی وبهروزی می کنیم و توفیق آنان را از درگاه حیّ

علیم خواستاریم.

از زایران عزیز نیز می خواهیم نعمت بین ظیر زیارت پاره ی

تن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را با بهره گیری از اندیشه، کلام و سیره ی آن امام

همام به فرصتی برای تامین نیازهای معنوی و فکری خود تبدیل نمایند

و با مطالعه ی آثار ارزشمندی مانند این مجموعه، توشه های سعادت و

کمال را برای دنیا و آخرت خود برگیرند و خدمتگزاران خود، در این

آستان مقدس را نیز از دعا فراموش نکنند.

معاونت تبلیغات وارتباطات اسلامی

آستان قدس رضوی

پیشگفتار

ص:۱۲

سخنـان اهـل بیت علیهم السـلام پس از قرآن مهم ترین منبع دینی به شـمار می رود. قرآن و سـنت دو یادگار گران بهای پیامبر اسـلام صـلی الله علیه وآله وسـلم برای ما مسلمانان است که پیروی از آنها مانع گمراهی و ضلالت خواهد بود. این احادیث که زوایای پنهان فراوان دارد دنیای بزرگی از دانش و معرفت برای بشـریت به همراه دارد و هر جمله کوتاه آن درس بزرگی برای ما انسان ها خواهد بود.

بـدون تردیـد این سـخنان می تواند سـرمشق و راهنمای خوبی در زندگی باشد و اهمیت آن وقتی روشن می شود که آن را در متن زندگی پیاده کنیم و به آنها عمل نماییم.

نوشـتاری که در پیش رو داریـد گلچینی از احـادیث امـام هشـتم علی بن موسـی الرضـا علیه السـلام است که در مجموع چهل حـدیث و درس زنـدگی است، این احـادیث در موضوعـات متنوعی از جمله دین شناسـی، عقایـد، زنـدگی و رفتار با خانواده، اخلاق فردی و اجتماعی، احکام و فلسفه آن با شرح کوتاهی مورد بحث قرار گرفته است.

از خداوند متعال خواهانیم که با مطالعه این سـخنان و عمل به آنها رابطه ی ما را با امام رضا علیه السـلام بیشتر نموده، زیارتش را در دنیا و شفاعتش را در آخرت نصیب همه ما بگرداند.

در آخر از همه کسانی که در پدید آوردن این مجموعه همکاری داشته اند تقدیر و تشکر می شود.

آمین یا ربّ العالمین

قم

حسین علوی مهر

ص:۱۳

دین و دین داری

اشاره

ص:۱۵

ایمان

امام رضا علیه السلام فرمود: «الایمَانُ عَقدُ بِالقَلبِ و لَفظ باللسَانِ و عَمَل بِالجَوَارِحِ و لایکونُ الاِیمانُ اِلَّا هَکذا»(۱).

ایمان اعتقاد قلبی و جاری کردن آن بر زبان و عمل با اعضای بدن است و تحقق ایمان جز این نمی باشد.

شرح: طبق این روایت ایمان دارای سه شاخصه است اعتقاد قلبی در مسائل اعتقادی، جاری کردن شهادتین بر زبان و عمل کردن به فرامین الهی، هر کدام از این موارد نباشد ایمان شخص دارای اشکال است. با توجه به آیات قرآن و روایات اسلامی علم و یقین به اعتقادات و مسائل دینی برای ایمان داشتن کافی نیست. حتی اگر کسی شهادتین را بر زبان جاری کرد و قلباً معتقد به وجود خدا و پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم و قرآن کریم و کتاب های آسمانی دیگر و آخرت باشد، اما عمل به دین نکند، نماز نخواند، روزه نگیرد و اعمال جوارحی را انجام ندهد، ایمان چنین شخصی نیز صحیح نیست، برای تحقق ایمان غیر از علم و یقین و اعتقاد قلبی و شهادتین، تسلیم در برابر خداوند و اجرای تمام فرمان هایی که او داده است لازم می باشد و منظور تسلیم شدن در ظاهر و باطن در برابر حق و فرمان های او است به همین جهت قرآن هر جا مسأله ی ایمان را مطرح می کند در کنار آن عمل صالح را نیز بیان می نماید یعنی ایمان باید عمل صالح به دنبال داشته باشد، در آیات قرآن حدود ۷۰ بار ایمان را مطرح کرده و در کنار آن عمل

۱- . عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج۲، ص ۲۰.

صالح نیز آمده است.(۱)

قرآن کریم عده ای را معرفی می کند که «جحدوا بها و استیقنتها أنفسهم ظلما(۲) ...» یقین و معرفت به دین داشته اما باز هم کافرند و دین را انکار می کنند زیرا تسلیم خداوند نیستند و عمل صالح نسبت به دین ندارند.

اباصلت از اصحاب امام هشتم علیه السلام درباره ایمان از آن حضرت سؤال می کند؟ حضرت می فرماید: ایمان با سه چیز تحقق پیدا می کند، یکی اعتقاد قلبی (به خدا، نبوت، معاد و ...) و گفتار زبانی (شهادتین) و عمل کردن با جوارح و اگر کسی این سه را نداشته باشد ایمان ندارد.

ص:۱۷

۱- . از جمله بقره/۲۵، ۸۲، ۲۷۷، آل عمران/ ۵۷، نساء/۵۷، ۱۲۲، ۱۷۳، مائده / ۹ و ۹۳ و ... ر ک؛ معجم.

۲- . نمل/۱۴

حقیقت ایمان

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرماید: «لَایَستکمِلَ عبدٌ حَقِیقَهَ الایمَانِ حَتَّی یَکونَ فِیهِ خِصَال ثَلَاثٌ: التَّفقُّهُ فِی الدِّین و حُسنَ التَّقدِیرِ فی المَعیشَهِ و الصَّبرُ عَلَی الرَّزَیَا»(۱).

هیچ بنده ای به حقیقت ایمان نمی رسد مگر این که دارای سه ویژگی باشد: شناخت در دین، برنامه ریزی صحیح در زندگی، شکیبایی بر سختی ها و ناگواری های زندگی.

شرح: در این حدیث امام رضا علیه السلام سه برنامه زندگی برای رسیدن به حقیقت ایمان بیان می فرماید:

شناخت در دین: اسلام مسلمانی می خواهد که نسبت به دین خود آشنا و آگاه باشد، مسلمان و مؤمن آگاه، به گرد گناه نمی رود، شبهات در او تأثیر ندارد، انحرافات فکری ایمان او را سست نمی کند اما انسان جاهل زود آسیب می پذیرد و بر اثر کارهای جاهلانه هم به خود و هم به دین خود آسیب می زند، فریب می خورد، ظواهر و تبلیغات به سرعت در او تأثیر می گذارند. مسلمان باید اوقاتی از زندگی خود را به آشنایی با مسائل دین بپردازد، تا جایی که برخی از علماء آموختن پاره ای از مسائل دینی را واجب دانسته اند. آموختن بخشی از دین از جمله معرفت خدا و اعتقادات واجب عینی و بخشی دیگر مانند احکام نماز و

۱- . تحف العقول، ص ۵۲۵، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۹ و مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۵. برخی دانشمندان از روایت «طلب العلم فریضه علی کل مسلمٍ و مسلمه» نیز همین استفاده را کرده اند که بعضی علم ها از علوم دینی واجب نفسی یا عینی است و بر هر فردی واجب است و برخی دیگر به عنوان مقدمه ی واجب، واجب می شود. ر.ک: استاد مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۰-۳۲.

روزه واجب مقدّمی است یعنی به عنوان مقدمه یک عمل واجب مانند نماز و روزه، آموختن احکام آن واجب است، علت آن هم روشن است زیرا وقتی یک عمل صحیح و درست انجام می شود که آگاهی کامل به احکام و جزئیات آن باشد.

برنامه ریزی صحیح در زندگی و مخارج آن: انسان مسلمان باید در هزینه زندگی برنامه ریزی خوب داشته باشد. هزینه زندگی را با نیازهای خود و خانواده تنظیم کند و بهترین راه میانه روی و اعتدال در مخارج زندگی است. نباید آن قدر در هزینه و مصرف باز عمل کند که نیازمند مردم شود و نه دست تنگ باشد که در صورت برخورداری از هزینه حاضر نیست برای خانواده اش غذا و لباس مناسب تهیه کند و برای مصرف کردن خسّت و گرفتگی دارد، در هر صورت موفقیت در زندگی معتدل بودن در امور اقتصادی نه راه تجمل گرایان دنیاپرست را داشته باشد که به اسراف و تبذیر و ریخت وپاش ها مبتلا شود و نه راه ترک کنندگان نعمت های دنیا.

استفاده از ثروت و زیبایی های دنیا حرام نیست بلکه غذای خوب، لباس خوب، زندگی خوب که از راه حلال باشد برای مؤمنان ممنوع نیست، بلکه مطلوب می باشد.

شکیبایی و استقامت: از مهم ترین پایه های ایمان شکیبایی و استقامت در برابر سختی ها است تا جایی که در روایات، تشبیه به سر برای بدن شده است(۱)، راه رسیدن به کمال و بالاترین درجات معنوی لابه لای مشکلات و ناگواری های زندگی و صبر در برابر آنهاست.(۲) برای رسیدن به حق باید شکیبا بود اگر چه تلخ باشد،

۱- . کافی، ج ۲، ۸۹ و ۹۰.

۲- . امام باقر علیه السلام می فرماید: بهشت با سختی ها و صبر پیچیده شده است، کسی که بر سختی های زندگی در دنیا شکیبا باشد، وارد بهشت می شود، کافی، همان.

در برابر عبادت ها و اطاعت ها، در برابر مصیبت ها و در برابر ترک گناه و معصیت ها باید همیشه شکیبایی را پیشه کرد.

ناگواری های زنـدگی گاهی در اختیار خود انسان نیست بلکه خداوند برای آزمایش، مؤمن را به مشـکلات و سـختی ها مبتلا می کند.

اما برخی مشـکلات معلول کردارهای خود انسان است ماننـد این که از پول خود محافظت نمی کنـد، گرفتار سـرقت می شود، بهـداشت رعایت نمی کنـد، مریض می شود، قوانین راننـدگی را رعایت نمی کنـد، تصادف می کند، کسب و تجارت را دقیق انجام نمی دهـد، گرفتـار زیـان و خسـارت می شود، گـاهی به دنبـال آرزو، هوا، هوس و گنـاه، است، خود را به گرفتاری می اندازد، و آسیب بزرگی در زندگی می بیند.

آثار پیش آمـده از این امور اگر چه خود نیازمند صبر مضاعف است اما انسان باید متوجه باشد که مشـکلات پدیدآمده معلول عمکرد خود انسان است، نه این که بگوییم خداوند خواسته یا شانس من این چنین است.....

ص:۲۰

عمل بدون بینش

امام رضا علیه السلام می فرماید: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطریق لایزیده سرعه السیر الا بعداً عن الطریق»(۱). آن کس که بدون بینش کاری را انجام دهد همانند کسی است که بیراهه می رود، هر چه سریع تر حرکت کند از راه صحیح دورتر می شود.

شرح: کارهای باشتاب، بدون دقت و برنامه ریزی قبلی فرجام خوبی ندارند. پس از انجام کار روشن می شود که خطاهای زیادی در آن وجود دارد که ممکن است برخی قابل جبران نباشد یا به سختی جبران شود. انسان باید در کارهای مهم زندگی همانند خرید خانه، ماشین، ازدواج، انتخاب شغل و ... دقت و بینش کافی به خرج دهد، بینش رمز موضع گیری سالم و اصولی است. بینش ضریب خطا را در کارها کاهش می دهد، بینش مانع غافلگیر شدن خواهد بود. به عنوان مثال یکی از مهم ترین برنامه های زندگی ازدواج است. ازدواج و انتخاب شریک برای زندگی باید با تفحص، آگاهی و بینش باشد اگر یک دختر باشتاب و به محض دیدن یک جوان در خیابان با ردوبدل کردن الفاظ زیبا و دلفریب فریفته او شود و تن به ازدواج دهد، راهی انحرافی رفته است به زودی زندگی که می توانست شیرین و گوارا باشد به تلخی و ناکامی منجر می شود و نیز مانند کسی که پایه ساختمانی را کج یا ضعیف بنا نهد هر چه این بنا بالاتر رود ضرر و خرابی آن بیشتر خواهد شد.

ص:۲۱

۱- . کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴، فقهالرضا علیه السلام، ص ۳۸۱، بحارالانوار، ج۱، ص ۲۰۶.

خشت اول چون نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج

اصولاً ـ رشـد واقعی و کمال نهایی در این است که کارهای انسان از دانش و بینش برخوردار باشـد، درست بشـناسد و درسـت عمل کنـد، زیرا کارهای شـتابزده همواره با اشـتباه و خطا همراه است در نهایت انسان باید با پوزش، عذرخواهی به اصـلاحات پیش بینی نشده بپردازد.

ص:۲۲

عقاید

ص:۲۳

توحید و شرک

امام رضا علیه السلام فرمود: «من شَبَّه اللهُ تعالی بِخَلقِهِ فَهَوَ مُشِرکُ و مَن نَسَبَ الیهَ مَا نَهَی عَنُه فَهوَ کافِرُ»(۱). کسی که خداوند را به مخلوقاتش تشبیه کند مشرک و کسی که صفات ناقص و نهی شده به خداوند نسبت دهد کافر است».

شرح: یکی از پایه های اصلی توحید، در صفات، بی مانندی خداوند است، یعنی خداوند شبیه و مثل ندارد و نمی توان او را به چیزی تشبیه کرد. خداوند از هر نظر نامحدود و بی پایان است و هر چه غیر خداست از هر نظر، حیات، علم، قدرت، احاطه،... محدود و متناهی است. در نتیجه نمی توان خدا را در صفاتش به هیچ موجودی تشبیه کرد و هر گونه تشبیه و تمثیل برای خداوند، محدود ساختن او است و مایه ی بُعد و دوری از شناخت حقیقی خداوند خواهد شد زیرا به جای آن که خدا را بشناسیم موجود دیگری که ناقص تر از اوست در نظر گرفته ایم و این جا است که گفته اند: یکی از خطرناک ترین پرتگاه هایی که در راه شناخت صفات خداوند وجود دارد پرتگاه تشبیه است یعنی خدا را در وصفی از اوصاف شبیه انسان با مخلوقاتش بدانیم، این سبب می شود که انسان به درّه شرک سقوط کند، به همین جهت است که مشرکان عصر جاهلی تصور می کردند که خداوند مانند یک پادشاه بزرگ است و نمی توان به او دسترسی پیدا کرد که وزرا و نزدیکان پادشاه به سراغ او می روند ولی توده مردم دسترسی به خود پادشاه ندارند و باید به سراغ مقربان او بروند، به همین

۱- . شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص ۱۰۵.

جهت بتی را می ساختند تا آن ها مقربان درگاه خداوند باشند و این بارزترین مصداق شرک است، لذا امام هشتم علیه السلام در روایت فوق هشدار می دهد، هر کسی خداوند را به مخلوقات تشبیه کند مشرک است و قرآن نیز مرتب تذکر می دهد که «لیس کمثله شیء»(۱)، «لم یکن له کفواً احد»(۲)، خداوند همتا و مانندی ندارد. حتی در آن جایی که ناچار می شویم خداوند را به نور و مانند آن تشبیه کنیم باید توجه داشته باشیم که این گونه تشبیهات ناقص و نارسا است و تنها از یک جنبه قابل قبول است نه از تمام جهات. از طرف دیگر خداوند از هر عیب و نقص و عوارض و صفات ممکنات پاك و منزّه است، در نتیجه صفاتی مانند جسمانیت، اعضا، جوارح، ترکیب، مکان، زمان، تغییر، دگرگونی و ... نمی توان به خداوند نسبت داد، کوته فکران اوصاف ناشایستی برای خدا قایل شدند و به درّه ی کفر سقوط کردند، گاهی برای خدا فرزند قایل می شدند، گاهی عیسی را پسر خدا می شمردند، گاه فرشتگان را دختر خدا می نامیدند، گاه میان خدا و طایفه ی جن رابطه خویشاوندی برقرار می ساختند، گاه بتها را همتا و شریک خدا قرار می دادند و گاه برای خداوند اوصافی مانند موجودات و یا اجسام معتقد بودند اما طبق آیات قرآن و آموزه های اهل بیت علیهم السلام همه این اوصاف از ذات مقدس خداوند منتفی است(۳)، او دارای کمال مطلق است ، مثل و مانندی برای او نیست، بی نیاز است و امام هشتم علیه السلام می فرماید: هر گونه توصیف مخلوقات یا وصف منفی به خداوند نسبت داده شود منجر به کفر می شود.

۱- . توحید/ ۴.

۲- . ر.ك: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ۳۲۴.

۳- . برای این قسمت از پیام قرآن، ج ۴، ص ۲۱۵-۲۱۶، بهره برده ایم.

«سبحان الله عما یصفون»(۱) خداوند برتر از هر گونه توصیف، توصیف کنندگان است، بنابراین مسلمان موحد نباید خداوند را به چیزی تشبیه کند یا صـفتی از صـفات مخلوقات را به او نسبت دهد و بهترین راهنما برای فهم اوصاف خداوند بهره گرفتن از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام می باشد.

۱- . مؤمنون/۹۱.

شناخت آغاز پرستش

امام رضا علیه السلام فرمود: «اَوّلُ عِبَادَهَ اللهِ مَعرِفَتُهُ وَ اَصلُ مَعرِفَهِ اللهِ تَوحیدُهُ».(۱) نخستین مرحله پرستش شناخت و معرفت خدا است و پایه معرفت خداوند، توحید و یگانه دانستن او است.

شرح: عبادت و پرستش خداوند از مهم ترین اهداف آفرینش انسان است، «ما جن و انسان را نیافریدیم مگر برای عبادت و پرستش»(۲) اما همواره دین اسلام بر این نکته تأکید دارد که عبادت و پرستشی مفید است که همراه با آگاهی و شناخت باشد.

به همین جهت امام هشتم علیه السلام نخستین مرحله ی پرستش را شناخت و معرفت خداوند می داند. شناخت و معرفت از مهم ترین پایه های دینی به حساب می آید به گونه ای که در زمره مهم ترین واجبات شمرده شده است، اسلام ضمن دعوت به فراگیری شناخت و علم آن را برای بشر ضروری و لازم می داند و در آیات زیادی به آگاهی و شناخت نسبت به صفات خداوند از جمله حکمت، علم، بصیرت، عزت، قدرت و صفات دیگر پروردگار(۳) تأکید شده است.

در برخی از آیات هدف آفرینش جهان را علم و معرفت می داند(۴) اساساً بدون معرفت و علم اسرار هستی قابل درک نیست و همین مسأله موجب امتیاز و برتری انسان بر سایر موجودات و کلید نجات انسان شده است.

ص:۲۷

۱- . عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱/ ۱۲، میزان الحکمه، ج ۶/ ۱۲.

۲- . ذاریات، ۵۶.

۳- . بقره/۳، ۲۰۹، ۲۳۱، ۲۳۳، حدید/۱۷ و....

۴- . طلاق/۱۲

مطابق آیات قرآن کسانی که دارای علم و معرفت هستند در برابر خدا، خضوع و خشوع بیشتری دارند(۱) و بیشتر به خاک مذلّت می افتند و بر آستان دوست سجده می کنند و همین دانش و شناخت است که موجب خشیت و ترس حقیقی از خداوند خواهد شد. به همین جهت نخستین مرحله ی پرستش خدا شناخت و معرفت است. شناخت خداوند متعال راه های مختلفی دارد و به تعبیری «الطرق الی الله بعدد نفوس الخلائق» به تعداد خلایق راه به سوی خداوند وجود دارد، البته باید توجه داشت که ذات خداوند را نمی توان شناخت بلکه شناخت خدا از طریق شناخت صفاتی مانند قدرت، علم، حیات، حکمت، عدالت و ... است. این جهان هستی و موجوداتی که آفریده ی اوست همه نشان از قدرت، علم، حکمت و... دارند به همین جهت، ما می توانیم از راه مخلوقات به خدای بزرگ پی ببریم و او را بشناسیم، می توانیم از راه نظام دقیق و حساب شده ای که بر عالم هستی حکمفرما است بفهمیم که نظم این جهان برگرفته از مبدأیی قدرتمند و عالم است (برهان نظم)، می توانیم از راه دگرگونی دایمی که در جهان وجود دارد و همه چیز حتی درون انسان دارای حرکت و دگرگونی و تغییر است بفهمیم که نقطه ی ثابتی در این جهان وجود دارد که همه این دگرگونی ها و حرکات از آن جا سرچشمه می گیرد (برهان حرکت) می توانیم از راه نیازمندی و فقر عمومی موجودات جهان هستی و خود انسان متوجه شویم که یک منبع عظیم و بی نیاز که در ذات خود مستقل است وجود دارد که همه ی این وابسته ها بر او تکیه دارند

ص:۲۸

۱- . فاطر/۲۸.

(برهان فقر و غنا یا وجوب و امکان) و می توانیم از راه مخلوق و معلول بودن این جهان به طور سلسله وار، به یک علت اصلی برای هستی پی ببریم. (برهان علت و معلول)

این ها راههایی است برای شناخت خداوند اما اساس همه این ها و یکی از مهم ترین صفات خدا، توحید و یگانگی او است که امام هشتم علیه السلام نیز به آن اشاره کرده است، زیرا:

اولاً: توحید زیربنای شناخت تمام صفات خدا است و هیچ یک از صفات بدون توجه به اصل توحید قابل درک نیست.

ثانیاً: زیربنای تمام ادیان آسمانی به ویژه قران کریم توحید است و غالب بحث های قرآن کریم که درباره ی وجود خدا است بر محور همین اصل دور می زند تا آن جا که برخی گمان کرده اند قرآن درباره اصل وجود خدا سخنی ندارد و همه درباره توحید است.

ثالثاً: تمام عقاید اسلامی، احکام، قوانین آن و مسائل اجتماعی، اخلاقی و عبادی از همین اصل سرچشمه می گیرد و سراسر قرآن بازتاب مسأله توحید است.

رابعاً: محور اصلی فعالیت پیامبران الهی نیز توحید و مبارزه با شرک بوده است.

از طرف دیگر این اصل ما را به وحدت و یگانگی جهان نیز می رساند که تمام جهان هستی یک واحد به هم پیوسته است که اگر چه اجزای متعددی دارد اما تمام اجزایش در ارتباط با هم مورد مطالعه قرار می گیرند و همین وحدت جهان خود نشانه ای از وحدت او خواهد بود.

ایمان به خداوند یگانه، حلقه اتصال قلوب میلیون ها انسان

ص:۲۹

می تواند باشد زیرا انسان ها می توانند با وجود اختلافات نژادی، جغرافیایی، قومی و زبانی، با چنگ انداختن به اصل توحید به هم پیوند خورده و جامعه ای نیرومند تشکیل دهند.

و این توحید است که درس خلوص نیت به انسان می دهد و می تواند با هر گونه ریا، شرک، هواپرستی، جاه پرستی، دنیاپرستی و شیطان پرستی به مبارزه برخیزد. به همین علت امام رضا علیه السلام در سخن خود اساس معرفت خدا را توحید می داند.

در نتیجه اصل توحید در همه جا ریشه داشته و در عقاید، اعمال و اخلاق فرد و جامعه تأثیر گذار خواهد بود. آری تنها خالق و معبود جهان هستی خداوند واحد و یگانه است که شریک ندارد «قل هوالله احد» و زیباترین شعار اسلام یعنی «لااله الاالله» نیز همین مفهوم را می رساند.

در این جا به طور گذرا به اقسام توحید نیز اشاره می شود تا به خوبی سخن امام هشتم علیه السلام که اساس معرفت خدا را توحید معرفی کرده اند روشن گردد.

توحید دارای شاخه هایی است از جمله:

توحید در ذات: یعنی ذات پاک خدا هیچ گونه شبیه و مانندی ندارد و از هر جهت یکتا و بی همتا است.

توحید در صفات: یعنی همان طور که ذات خداوند ازلی و ابدی است صفاتش نیز ازلی و ابدی است و صفات خداوند عین ذات او است و چیزی زاید بر ذات او نمی باشد.

توحید در عبادت: که حساس ترین بخ

وحید است یعنی جز او را نپرستیم و بر غیر او سر تسلیم فرود نیاوریم و سجده نکنیم.

توحید در خالقیت: یعنی سراسر جهان هستی فعل خدا و آفریده شده او هستند و به تعبیر دیگر آفریننده جهان یکی است.

توحیـد در ربوبیت: یعنی سـرپرست و اداره کننـده و مربی عـالم هستی تنها خـدا است. توحیـد در مالکیت: یعنی مالک حقیقی همه جهان حتی جهان آخرت ذات پاک خدا است و سایر مالکیت ها جنبه مجازی دارد.

توحید در قانونگذاری: یعنی حق تشـریع و قانونگذاری مختص، خداوند متعال است، توحید در اطاعت: یعنی انسان های موحد تنها از خداوند پیروی می کنند و جان به فرمان او هستند.(۱)

البته یادآوری این نکته ضـروری می نمایـد که خداونـد در برخی موارد می توانـد برخی از حقوق را به دیگری واگـذار نماید مثلاً به پیامبرانش حق تشـریع برخی از امور بدهـد یا به انسان دسـتور دهد که از پیامبران نیز اطاعت کند و این با توحید حقیقی منافات ندارد.

ص:۳۱

۱- . جهت کسب اطلاع بیشتر ر.ک: مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۲ و ۳.

عبادت و تفکر

امام رضا علیه السلام فرمود: «لَیسَتِ العِبادَه کَثَره الصِّیامِ و الصّلوه و انَّما اِلعبادَه کَثَره التَّفَکُّرِ فِی اَمرِاللهِ»(۱). عبادت، روزه و نماز زیاد نیست بلکه عبادت بسیار اندیشیدن در امر خداوند است.

شرح: یکی از موضوعات مهم دین اسلام دعوت به تفکر و اندیشه است که ارزشمند بلکه از بهترین عبادت ها نیز شمرده می شود و بهترین نوع آن اندیشه در امر خداوند است، اندیشه در مناظر زیبای آسمان ها، در وجود شگفت انگیز انسان، در نعمت های خداوند، در آفرینش موجودات روی زمین، حیوانات، گیاهان، دریاها، کوه ها، جنگل ها، شب و روز، که همه این ها ما را به شناخت آفریننده ای قدرتمند، حکیم، مدبر، زنده و ... می رساند و پس از چنین اندیشه ای است که انسان تسلیم آفریننده خود و گوش به فرمان وی می شود و در نتیجه نماز، روزه و عبادات دیگر را با شناخت انجام می دهد. به همین جهت امام هشتم علیه السلام روزه و نماز فراوان را عبادت حقیقی نمی داند. بلکه ما را به اصلی دعوت می کند که تمام فروع دین نتیجه آن خواهد بود و آن بسیار اندیشیدن در امر الهی است زیرا به وسیله ی آن مهم ترین اصل و پایه دین یعنی توحید با معرفت به ثمر می نشیند و در ادامه انسان بهترین معبود را برای خود انتخاب می کند.

در این روایت نکته های دیگری نیز قابل استفاده است:

۱ - عبادت منحصر به نماز و روزه بسیار نیست بلکه عبادت

۱- . تحف العقول، ص ۸۰۲، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵۴، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۲۲ و مانند این سخن از امام حسن عسکری علیه السلام در تحف العقول نیز نقل شده است.

کامل تفکر در کارهای خدا و آفرینش شگفت انگیز او است. که با آن متوجه می شود این جهان هستی عبث و بیهوده نیست و چنین عبادتی است که ارزشمند است(۱).

۲ - امام علیه السلام می خواهد که انسان ها اعمال عبادی خودشان را با آداب و شرایط و شناخت کامل انجام دهند، چه بسا عبادت های زیادی که ارزشی ندارد و آن در صورتی است که بدون معرفت و آگاهی به شرایط و کیفیت باشد.

۳ - همین تفکر است که به زندگی انسان جهت مثبت می دهد، انسان را وادار می کند که از فرصت ها بهترین استفاده را بکند، با هدف و معنا زندگی کند، از سرنوشت گذشتگان پند بگیرد و به دنبال فساد و پوچی نرود و در نهایت زندگی آخرت خود را نیز تأمین کند.

اما خیالپردازی درباره کارهای بیهوده، فاسد و گناه آلود، اولاً آن را نمی توان تفکر و اندیشه نامید، ثانیاً اگر تفکر بنامیم، تفکر باطل و وسوسه های شیطان است که اگر شدت پیدا کند انسان را آلوده به گناه خواهد کرد.

ص:۳۳

۱- . ر، ک، علامه مجلسی، بحارالانوار، همان

حسن ظن به خدا

امـام رضـا علیه السـلام فرمود: «أحسِن باللهِ الظَّنَّ فانَّ الله عزَّوجلَّ یقوُلُ: أَنا عِنـدَ ظَنِّ عَبـدِیَ إن خَیراً فَخَیرٌ و إنَّ شَـرَاً فَشَرٌّ(۱)»: به خداوند گمان نیک ببر زیرا خداوند عزّوجلّ می فرماید: من نزد گمان بنده ام هسـتم، اگر نیک باشد پاداشـش نیک و اگر شـر باشد پاداشش شر خواهد بود.

زندگی همواره با مشـکلات و سـختی ها است و چه بسا بسـیاری از سـختی های زندگی برای امتحان باشد، انسانی در زندگی موفق است که با آنها مبارزه کند و ناامیدی به خود راه ندهد.بنابراین اگر کسـی مبتلا به سختی و گرفتاری شد نباید به خداوند بدگمان شود و تصور کند خداوند او را دوست ندارد و تمام سختی ها فقط برای او است.

همچنین نباید سـختی ها و گرفتاری خود را به بدشانسـی و اقبال بد نسبت دهد (که شانس و اقبال امری موهوم و باطل است). در برابر گرفتاری و سختی ها نیاز به اندیشه، صبر، تصمیم گیری به موقع، احساس امید، استمداد از خداوند و در نتیجه برخورد صحیـح و معقول بـا آنهـاست، چه بسـا این آزمـایش و زمـان سـختی، زیبـاترین و مانـدگارترین لحظات زنـدگی انسان باشـد، حضرت ایوب علیه السلام سختی های فراوان در زندگی کشید ولی بر همه آنها صبر نمود و می گفت به این همه بلا راضیم و نیز می فرمود: پروردگارا! «تو مهربان ترین مهربانانی»(۲) و تا آخرین لحظات جز

ص:۳۴

۱- . عیون اخبار الرضا علیه السلام،ج۲،ص ۷۳.

۲- . سوره انبیاء/۸۳.

حسن ظن به خدا چیزی نداشت، همان طور که حضرت زینب J درباره حادثه کربلا با آن همه سختی ها فرمود: «جز زیبایی چیزی ندیدم»(۱) و این همان حسن ظن به خدا است.

یادآوری می شود که برخی از سختی های زندگی انسان بر اثر اشتباه و خطاهای خود شخص است و تلاش می کند تا در صدد جبران آن برآید و انسان برای سرپوش بر ضعف و اشتباه خود این ها را نیز به خداوند نسبت بدهد. علت خطاها ممکن است حرکت در مسیر باطل، ارتکاب گناه، سستی در انجام کاری، فرار کردن از زیر بار مسئولیت باشد که انسان را به نتیجه نامطلوب می رساند سپس از کرده ی خود پشیمان می شود و آن را به خدا نسبت می دهد و یا آن را تحریف می کند، در حالی که همه این ها ناشی از سستی، ترس، ارتکاب حرام خود شخص است و به دنبال توجیه غلط برای این کارها است گاهی دین، گاهی خدا، حتی گاهی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را عامل این کارها می دانستند و این همان بدگمانی به خداوند است و چه دردناك است که انسان خود عامل شکست خود باشد و با دست خود راه نجات را به روی خود ببندد و واقعیت ها را دگرگون جلوه دهد و به خداوند نسبت دهد. به همین علت امام هشتم علیه السلام می فرماید: «به خدا حسن ظن داشته باش، چرا که خداوند می گوید: من نزد گمان بنده ام هستم، اگر گمان بنده نیک بود پاداشی که می گیرد نیز نیک خواهد بود و اگر ظن بنده من شر بود پاداش او نیز شر و بدی خواهد بود.

۱- . سید بن طاووس حسینی، علی بن موسی، اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۷۰.

پیامبران اولوالعزم علیهم السلام

امام رضا علیه السلام فرمود: «اِنَّمَا سُمِّیَ اُولُوالعَزمِ، اُولِی العَزمِ لاَنَّهُمْ کانوا اَصحابَ الشَّرائِعِ وَ الَعَزائِمِ»(۱)؛ پیامبران اولوالعزم در حقیقت بدین سبب اولوالعزم نامیده شده اند که دارای آیین و شریعت بوده اند.

شرح: خداوند برای هدایت بشر در طول تاریخ پیامبرانی را فرستاده است، برخی پیامبران مانند حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام و محمد صلی الله علیه وآله وسلم دارای کتاب و شریعت هستند، برخی پیامبران مانند حضرت داود علیه السلام تنها صاحب کتابند و شریعت خاصی ندارند و برخی پیامبران دیگر نه کتاب دارند و نه شریعت.

گروه نخست را پیامبران «اولوالعزم» نامیده اند اما چرا آنان به این نام خوانده می شوند و آیا تعداد آنان همین پنج نفرند یا بیشتر؟ مطالبی مطرح شده است که به توضیح آن می پردازیم:

«عزم» به معنای اراده محکم و استوار و «اولوالعزم» به معنای صاحبان اراده است.

در قرآن کریم «عزم» در چند معنا به کار رفته است که می توان به برخی از آنها اشاره نمود:

عزم به معنای صبر، خداوند می فرماید: «کسی که صبر کند و عفو نماید این از عزم امور است».(۲)

عزم به معنای وفای به عهد مانند: «و لقد عهدنا الی آدم من قبل فنسی و لم نجد له عزماً»؛ ما به آدم از قبل عهد و تسلیم اما او

۱- . عیون اخبارالرضا، ج ۲ / ۸۰، حدیث ۱۳ و مسند الامام الرضا(ع)، ج ۱، ۴۹، حدیث ۳.
۲- - شوری / ۴۳.

فراموش کرد و بر سر پیمان خود نایستاد.(۱)

در آیه ۷ سوره احزاب نیز خداوند متعال چند نفر از پیامبران را نام می برد که از آنان پیمان های محکمی گرفته است و آنان عبارتند از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام. این پنج پیامبر به طور ویژه پس از آن نام می برد که همه پیامبران الهی را به صورت جمع به کار برده است.

همچنین در آیه ۳۵ از سوره احقاف به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم سفارش می کند که «صبر و شکیبایی مانند شکیبایی پیامبران اولوالعزم داشته باش».

در آیه ای دیگر می خوانیم که این پنج پیامبر دارای شریعت بوده اند: «شرع لکم من الدین ما وصی به نوحاً و الذی اوحینا الیك و ما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی»؛ خداوند برای شما آیینی تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود و آن چه را بر تو وحی کردیم و بر ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم.(۲)

همچنین در روایتی از امام سجاد علیه السلام آمده است که نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه وآله وسلم پیامبران اولوالعزم هستند و بدین جهت به آنان اولوالعزم گفته شده است که به تمام مشرق و مغرب عالم (تمام جهانیان) و به جن و انس فرستاده شده اند.(۳)

در حدیث دیگری نیز از امام صادق علیه السلام فرمود: بزرگ پیامبران و رسولان پنج نفرند، آنان پیامبران اولوالعزم هستند و آسیاب نبوت بر محور آنان می چرخد که عبارتند از نوح، ابراهیم،

ص:۳۷

۱- - طه / ۱۱۵.

۲- - شوری / ۱۳.

۳- - بحارالانوار، ج ۱۱، ص۵۸.

موسی، عیسی علیهم السلام و محمد صلی الله علیه وآله وسلم.(۱)

از مجموع بحث های گذشته می توان مفهوم سخن امام هشتم علیه السلام را فهمید که فرمود علت نامگذاری آنان به اولوالعزم این است که دارای شریعت و عزم هستند که مهم ترین ویژگی پیامبران الوالعزم می باشد.

با توجه به آیات و روایات و بحث های گذشته می توان گفت اولوالعزم کسانی هستند که دارای ویژگی های زیر باشند:

۱ - دارای شریعت جدید و آیین تازه باشند (همان طور که در سخن امام هشتم علیه السلام آمده بود).

۲ - از آن جا که هر شریعت و آیین جدیدی با مشکلات خاصی مواجه است و مخالفان بیشتری خواهد داشت نیاز به عزم و اراده آهنین همراه با صبر و شکیبایی بیشتر خواهد بود.

۳ - عهد و پیمان هایی که خداوند از این عده گرفته است شدیدتر و محکم تر از سایر پیامبران الهی است.

۴ - رسالت آنان جهانی است و به سوی شرق و غرب عالم فرستاده شده اند.

۵ - رسالت آنان جن و انسان، هر دو را در برمی گیرد.

۶ - آنان در میان سایر پیامبران دارای برتری هستند و نبوت سایر پیامبران نیز بر محور آنان می چرخد.

۷ - پیامبران اولوالعزم عبارتند از حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی علیهم السلام، حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم.

تعداد پیامبران اولوالعزم نیز طبق دیدگاه معروف میان دانشمندان اسلامی و استفاده از آیات و روایات همان پنج نفر می باشد.(۲)

۱- - کافی، ج ۱، ص۱۷۴، باب طبقات الانبیاء و الرسل، ح ۳

۲- . در برخی روایات تا عدد ۳۱۳ نفر نیز برای پیامبران اولوالعزم بیان شده است. (ر.ک: سیوطی، درّالمنثور، ج ۶، ۴۵).

در آیات ۷ از سوره احزاب و ۱۳ از سوره شوری به این پیامبران اشاره خاص شده است، در روایات زیادی از جمله از: امام سجاد علیه السلام(۱)، امام باقر علیه السلام(۲)، امام صادق علیه السلام(۳) و روایات دیگر تصریح به پنج پیامبر بزرگ الهی شده است که آنان پنج نفرند، حضرت نوح علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم.

در روایتی نیز امام باقر علیه السلام از پیامبر نقل می کند که تعداد پیامبران ۱۲۴ هزار نفر است که پنج نفر از آنان اولوالعزم بوده اند.

در سخنی از ابن عباس نیز پیامبران اولوالعزم را همین پنج نفر می داند.(۴)

برخی از بزرگان نیز پیامبران اولوالعزم را در ضمن شعری معرفی کرده اند:

اولوالعزم نوح و الخلیل الممجَّد و موسی و عیسی و الحبیب محمّد(۵)

پیامبران اولوالعزم نوح و ابراهیم خلیل است و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه وآله وسلم حبیب خدا.

مطابق توضیحات فوق هر یک از پیامبران دارای کتاب های آسمانی و شریعت بوده اند که «قرآن کریم» کتاب آسمانی محمد صلی الله علیه وآله وسلم و «انجیل» کتاب آسمانی حضرت عیسی علیه السلام و «تورات» کتاب آسمانی حضرت موسی علیه السلام است.

۱- . بحارالانوار، ج ۱۱، ۵۸ و ۵۶.
۲- . مجمع البیان، ج ۹، ۹۴.
۳- . همان و نیز اصول کافی، ج ۱
۴- . درّالمنثور، ج ۶، ۴۵.
۵- . آلوسی، روح المعانی، ۴۵، ج ۲۶، ص ۳۲.

اما برای کتاب آسمانی حضرت نوح و ابراهیم به طور صریح نام خاصی نیامده است ولی ممکن است از آیه ۱۹ سوره اعلی «صحف ابراهیم و موسی» استفاده کنیم که نام کتاب حضرت ابراهیم و نوح هر یک «صحف» بوده است.(۱)

۱- . ر.ک: مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۷، ۳۶۳. همچنین می توان در این زمینه به تفسیر المیزان، ج ۴ ذیل آیه ۱۶۵ سوره نساء، ج ۱۸ ذیل آیه ۳۵ سوره احقاف و تفسیر نمونه، ج ۲۱، ۳۷۷ تا ۳۸۰ و ج ۴، ۳۱۴ مراجعه نمود.

آیا معراج پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم قابل تکذیب است؟

امام رضا علیه السلام فرمود: «من كَذَّبَ بِالمِعراجِ فَقَد كَذّبَ رسولَ اللهِ صلی الله علیه وآله وسلم(۱)». کسی که معراج پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم تکذیب کند، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را تکذیب کرده است.

شرح: معراج از عروج به معنای بالارفتن است و نیز به معنای سیر روحانی و معنوی آمده است و منظور از آن طبق آیات قرآن و روایات فراوان و معروف میان دانشمندان اسلامی این است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم هنگامی که در مکه بود به قدرت پروردگار در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی در بیت المقدس که (فاصله آن بیش از یکصد فرسنگ است) رفته و در آن جا به آسمان ها صعود نموده تا آثار قدرت و عظمت پروردگار را در پهنه ی گیتی مشاهده نماید و همان شب نیز به مکه بازگشت.

این سیر با جسم و روح توأما انجام گرفته است به خلاف دیدگاه برخی که آن را به معراج روحانی شبیه یک خواب یا مکاشفه روحی تفسیر کرده اند.

در دو سوره از قرآن به مسأله ی معراج اشاره شده است:

۱ - در نخستین آیه سوره اسراء که می فرماید: «پاک و منزه است خدایی که بنده اش را در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که گرداگردش را پربرکت ساختیم برد، تا آیات خود را به او نشان دهیم، او شنوا و بیناست»(۲).

در این آیه دو نکته قابل توجه وجود دارد: یکی تعبیر «عبده»

۱- . شیخ صدوق، صفات الشیعه، ص ۹۲، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۸۱.

۲- . اسراء/۱.

است که دلالت دارد این سیر جسمانی و روحانی با هم بوده است نه روح تنها و نیز دلالت می کند که این افتخار به خاطر مقام عبودیت و بندگی آن حضرت بوده است که بالاترین مقام برای انسان است.

و دیگری تعبیر «لیلاً» است که نشان می دهد سیر پیامبر از مسجدالحرام به مسجدالاقصی و معراج آن در یک شب بوده است.

۲ - در سوره نجم از آیه ۱۳ تا ۱۸ نیز به سیر آسمانی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و جریان معراج اشاره شده است که در تعبیری می فرماید: «مازاغ البصر و ماطغی» (چشم پیامبر دچار خطا و انحراف و طغیان نشده) این عبارت که چشم پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم دچار خطا نشده است نشان می دهد که حادثه معراج در بیداری اتفاق افتاده است نه در خواب و حالت مکاشفه.

همچنین در روایاتی که متواتر و قطعی است، اصل موضوع معراج را امری ثابت و قطعی می داند و در روایاتی نیز ویژگی های معراج و مشاهدات پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را در آن شب مطرح می کند.

بنابراین اصل معراج از نظر دانشمندان اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت قابل تکذیب و انکار نیست اگر چه برخی از مسائل آن در روایاتی ساختگی که مشتمل بر امور نامعقول است قابل تکذیب می باشد. از جمله این که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خدا را آشکارا دید و با او سخن گفت که با اصول و معیارهای دینی و توحید سازش ندارد و با اهداف مهم این سیر معنوی نیز سازش ندارد زیرا هدف از این سفر آسمانی این نبوده است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خدا را در آسمان ها ببیند همان طور که برخی ناآگاهان این مسأله را مطرح

کرده انـد. بلکه هـدف اصـلی از معراج این بود که روح بزرگ رسول خدا صـلی الله علیه وآله وسـلم با مشاهده اسـرار عظمت خـدا در سراسـر جهان هستی به ویژه عالم ملکوت دیـد تازه ای و آگاهی کاملی بیابد تا بتواند با آن رهبری و هدایت انسان ها را به خوبی بر عهده بگیرد.

در این جا شبهه ای مطرح است که آیا عروج به آسمان ها با وجود نیروی جاذبه زمین و فقدان هوا در بیرون جوّ زمین و حالت بی وزنی و نیز اشعه های خطرناک ماوراءبنفش و اشعه ایکس چگونه ممکن است؟

برای پاسخ به این پرسش نکات زیر قابل توجه است:

۱ – موانعی که برای معراج بیان شده امور محال و لاینحل نیسـتند و ما می بینیم که دانش امروز با پیشـرفت های علمی سـفر به فضا را ممکن می داند و سالانه فضانوردان با سـفینه های مجهز، به سـیارات مختلف مسافرت می کنند و این نشان می دهد که سفر به آسمان ها منع عقلی ندارد.

۲ – مسأله ی معراج می توانـد یک امر غیرعادی باشـدماننـد معجزات پیامبران که امری غیرعادی و وابسـته به قـدرت بی پایان خداونـد است زیرا خداونـد با نیروی نامحـدود می توانـد، پیامبرش را از اشـعه های مرگبار نجات بدهـد و مرکبی سـریع السـیر متناسب بـا این سـفر فضـایی در اختیـار پیـامبرش بگـذارد، امـا این مرکب «رفرف» یـا «براق» یـا چیز دیگری بوده است تنها در روایاتی بدان اشاره شده است ولی برای ما کاملاً ناشناخته است.

۳ – مسأله ی معراج تنها عقیـده مسـلمانان نیست بلکه در میان پیروان ادیان دیگر نیز وجود دارد همان طور که درباره حضـرت عیسی علیه السلام در انجیل مرقس باب ۶ و انجیل لوقا باب ۲۴ و

انجیل یوحنا باب ۲۱ آمـده است که پس از آن که به دار آویخته و دفن شـد از میـان مردگـان برخاست و پس از چهل روز به آسمان ها عروج نمود. همان طور که خداوند برای حضرت موسی علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت ادریس علیه السلام نیز معراج قرار داده است.

نتیجه این که جریـان معراج پیامبر صـلی الله علیه وآله وسـلم امری قطعی است و قابل تکـذیب نمی باشـد و به همین جهت امام هشتم علیه السلام فرمودند: کسی که معراج را تکذیب کند رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را تکذیب کرده است.(۱)

۱- . جهـت اطلاـع بیشـتر به تفسـیر المیزان، ج ۱۳، ص ۵ تا ۳۴ و تفسـیر نمـونه، ج ۱۲، ص ۷ تا ۲۰ و تفسـیر مجمع البیـان از طبرسی، ج ۵ و ۶، ص ۶۰۹ تا ۶۱۲.

طراوت قرآن

امام رضا علیه السـلام فرمود: «انَّ اللّهَ تعالی لم یجعل القرآن لزمان دونَ زمانٍ وَ لالناسٍ دونَ ناسٍ فَهو فِی کلِّ زَمَانٍ جدیـدُ و عنَد کلِّ قَومٍ غَضٌ إلَی یَومِ القِیامهِ».(۱)

خداوند قرآن را برای زمان خاصی و مردم خاصی قرار نداده است و در هر زمانی تازه و نزد هر جمعیتی باطراوت است.

شرح: همیشه این پرسـش در اذهـان وجود دارد قرآن کریم که ۱۴۰۰ سـال پیش در محیط خاصـی و در میان مردمی که عرب زبان بوده اند، نازل شده است، آن زمان ویژگی های خاص خود داشـته و آموزه ها و پیام های خاصـی را می خواسـته و امروز ویژگی های خاصی دارد، شاهد پیشرفت های زیادی در علم و صنعت و مانند آن هستیم، پس قرآن چگونه برای عصر ما مفید است.

امام هشتم علیه السلام با سخن پرمحتوای خود این پرسش را پاسخ می دهد که قرآن ساخته ی اندیشه و افکار زودگذر و متغیر بشـر نیست تا با گذشت زمان کهنه و فرسوده گردد و برای مردم خاصی نیز نیست تا اگر آن مردم از بین رفتند محتوای قرآن و ارزش آن نیز از بین برود، بلکه از علم و دانش خداونـد بزرگی سرچشـمه گرفته که وجودش ازلی و ابدی و کلام او هم مانند ذاتش جـاودانه است، زبـان آن اگر چه عربی است امـا محتوای آن جهانی است، قوانین و پیام هایش همچون عـدالت خواهی، احسان و .... منطبق با فطرت بشـر است که همه ی انسان ها در هر زمان از آن بهره می برنـد و در هیـچ زمانی کهنه نمی شود، به همین

ص:۴۵

۱- . سفینه البحار، ج ۷، ص ۲۴۹.

دلیـل هر چـه آن را بخواننـد تـازه تر و جـالب تر اسـت و محتـوای آن همیشـه طراوت دارد، اگر کسـی همیشـه قرآن را بـا فهم محتوای آن بخوانـد نه تنها احساس خسـتگی نمی کند بلکه لذت و انبساط به او دست می دهد و این یکی از نشانه های اعجاز و عظمت قرآن کریم است.

علت این که قرآن در همه عصرها باطراوت است ویژگی های خاصی است که در درون آن نهفته است که برخی از مهم ترین آنها عبارتند از:

۱ - هماهنگی قوانین قرآن با خواسته های طبیعی و فطری انسان و سایر موجودات و به قول معروف هماهنگی تشریع با تکوین.

۲ - وجود لا‌یه های پنهان در قرآن، قرآن دارای ظاهر و باطن است و در برخی روایات تا هفت بطن برای آیات آمـده است و این ویژگی باعث شده است که آیات قرآن در هر زمان مصادیق خاصی داشته و متناسب با هر زمان حرکت کند.

۳ - اعتبار بخشیدن به عقل: معتبر بودن عقل بـدین معنا است که عقل می توانـد در زنـدگی مردم نقش داشـته باشـد و عقلای یـک جـامعه می تواننـد برای برخی از مسائل زنـدگی اجتماعی خود قوانینی را وضع کننـدماننـد قوانین راهنمایی و راننـدگی، کنترل بازار، شهرسازی.

۴ - وجود قواعـد و اصول حـاکم: در قرآن کریم قواعـدی وجود دارد که می توانـد حـاکم و نـاظر بر قوانین دیگر باشـد مانند «قاعده لاحرج»، «قاعده یسـر و نفی عسـر» و ... که اگر در موضوعی با اجرای حکمی حرج یا عسـر، سختی یا بن بست باشد به وسیله ی این قواعد می توان موضوعات و احکام را از بن بست خارج کرد.

ص:۴۶

امامت سررشته دین

امام رضا علیه السلامفرمود: «إنّ الامام زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عزّ المؤمنین، الامام اس الاسلام النامی و فرعه السامی، بالامام تمام الصلاه و الزکاه و الصیام و الحج و الجهاد»(۱).

امام سررشته ی دین و نظم دهنده ی امور مسلمانان و صلاح دنیا و بزرگ مندی مؤمنان است. امام بنیان و ریشه اسلام است، به واسطه امام است که نماز، زکات، روزه، حج و جهاد به کمال می رسد.

شرح: امام به منزله ی قلب جامعه است هر چه قدر قلب سالم تر باشد بدن انسان سالم تر است و اگر در بدن انسان قلب نباشد، بدن هیچ ارزشی ندارد، اساساً جوامع بشری برای بقا و تداوم حیات خود نیازمند رهبر و پیشوای شایسته هستند، هر چه قدر این پیشوا سالم تر، عالم تر، شجاع تر و زیرک تر باشد جامعه را بهتر اداره می کند، امام در واقع همه جنبه های زندگی مادی و معنوی انسان را رهبری می کند، به همین جهت امام هشتم به مهم ترین ویژگیهای اجتماعی و فردی پیشوای جامعه اشاره می کند که عبارتند از:

امام سررشته دین است، زیرا آگاه ترین فرد در دین او می باشد که مطالب دینی باید از او گرفته شود، سخن و کردار امام علیه السلام به عنوان قانون زندگی هر مسلمان است.

امام نظم دهنده ی امور مسلمانان و صلاح دنیا است: همان طور که اشاره شد امام قلب جامعه است و قلب است که به سایر

۱- . تحفالعقول، ص ۷۹۶.

اعضای بدن خون می فرستد و رگ ها و شریان های حیاتی را زنده نگه می دارد و نظم و انضباط می بخشد و اگر قلب نباشد یا سالم نباشد نظام بدن از بین می رود و امام نیز در جامعه این چنین است، به حکومت، معاش، خانواده، اقتصاد، آموزش و پرورش و.... نظم می بخشد.

امام عزت دهنده ی مؤمنان است: در جامعه و محیط نابرابر که پیشوای عادلی ندارند، حق بسیاری از افراد به ویژه انسان مؤمن که شایستگی هایی نیز دارد ضایع می شود و چه بسا وی را خوار و به وی بی اعتنایی نمایند اما حکومتی که دارای امام عادل و شایسته باشد از مؤمنان به خاطر شایستگی های آنها استفاده می کند و جایگاه حقیقی و اجتماعی خودشان را به آنان می بخشد. به همین جهت امام هشتم علیه السلام می فرماید: امام عزت انسان مؤمن است.

امام ریشه ی اسلام، فزاینده و شاخه ی آن است: امام بنیان و ریشه اسلام است زیرا دین با اندیشه های امام هم چنان زنده و دارای حیات است. برخی از مقامات امام معصوم علیه السلام که می تواند به عنوان ریشه اسلام معرفی شود عبارتند از:

الف - امام جانشین پیامبر، در اجرای احکام و اقامه حدود و حفظ شریعت است.

ب - تمام وظایفی که برای پیامبران است برای امام معصوم نیز هست.

ج - امام از سوی خدا و پیامبر تعیین می شود و همان فضایل و امتیازات پیامبر را جز مقام نبوت را دارد، به همین علت اعتقاد به امام مانند اعتقاد به پیامبر در اصل شریعت لازم است.

ص:۴۸

در هر صورت امام هم ریشه دین است و هم شاخه اسلام است که دایماً در حال فزاینـدگی است زیرا رهبری ای که از جانب خداوند به او واگذار شده و دارای مقام عصمت و علم الهی است. اسلام را دایماً توسعه و گسترش می دهد.

عبادات از جمله نماز، زکات، روزه، حج و جهاد بـدون امام و ولایت عبادتی ناقص خواهد بود، زیرا امام آگاهی کامل به این عبادات دارد و گفتار او نیز حجت است و طبق روایات متعدد اگر کسی تمام این اعمال را انجام دهد و ولایت نداشته باشد عبادات او ارزشی نخواهد داشت.

در جایی که دین در معرض تهاجم و احکام آن در معرض اختلاف باشد و همچنین انگیزه ها برای تغییر و تحریف وجود داشته باشد و احساس خطر اشتباه در نقل، به ویژه در مسایل و احکام دقیق و پیچیده با وجود گروه ها و افراد منفعت جو و هواپرست خواهد بود، در نتیجه وجود یک زمامدار و نگهبان حقیقی، دارای علم کامل در دین، ضروری است تا دین را حفظ کند.

اساساً دین اسلام هنگامی به عنوان یک دین کامل و پاسخگوی نیازهای انسان تا پایان جهان می تواند مطرح باشد که در درون خود راهی برای تأمین مصالح ضروری جامعه تا ابد پیش بینی کرده و این راه چیزی جز نصب جانشین شایسته برای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نخواهد بود. جانشینی که دارای علم خدادادی باشد تا بتواند حقایق را با همه ی ابعاد و دقایقش بیان کند، دارای ملکه ی عصمت باشد تا تحت تأثیر انگیزه های نفسانی و شیطانی واقع نشود و مرتکب تحریف عمدی دین نگردد و نیز بتواند نقش

تربیتی پیامبران را به عهده گیرد تا افراد مستعد را به عالی ترین درجه کمال برساند و نیز در صورت مساعد بودن شرایط اجتماعی، متصدی حکومت و تدبیر امور جامعه شود و قوانین اجتماعی اسلام را اجرا کند و حق و عدالت را در جهان گسترش دهد.(۱) به همین جهت است که عبادت ها در صورتی قابل اطمینان و کامل است که از منشأ و سررشته ی دین گرفته شده باشد نه از مصادری که احتمال خطا یا جعل یا تحریف در آنها داده می شود، در نتیجه امام هم ریشه و بنیان اسلام است و هم شاخه های آن که قابل رشد هستند.

۱- . ر.ک: مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید(۲-۱)، ص ۳۵۳ و ۳۵۴.

شناخت امامان

امام رضا علیه السلام درباره معرفت به امامان فرمود: «مَن ماتَ و لَمْ یَعرِفُهم ماتَ میَتهً جاهِلّیهً»(۱) کسی که بمیرد و امامان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

شرح: طرح مسأله ی امامت در شیعه، طرح شخصی نیست بلکه طرحی است برای حرکت فرد و جامعه به سوی کمال و سعادت و منظور ارائه ی رهبران و الگوهای دینی و دنیایی مردم در تمام زمینه ها است، در زمینه عبادت، سیاست، اخلاق، قضاوت، نظام خانواده، وظایف فردی و اجتماعی و ... که توانمندند تا آینده انسان را ترسیم کنند به گونه ای که انسان می تواند تمام گفتار و کردار آنان را نصب العین خود قرار دهد.

به همین جهت پیروی از آنان بدون شناخت امکان پذیر نیست، اگر آنان را نشناسیم حقیقت دین را نشناخته ایم و اگر کسی نداند دین چیست گویا دین ندارد. در زمان جاهلیت پیش از اسلام نیز مردم پیشوایی و دینی نداشتند نسبت به احکام و مسائل دینی نادان بودند و مردم در حالت کفر به سر می بردند تا این که پیامبر

اسلام صلی الله علیه وآله وسلم ظهور کرد و آنها را نجات داد و راه نجات انسان ها پس از نبوت، بهره بردن از وجود امام معصوم علیه السلام است تا مردم را به دین صحیح هدایت کند، زیرا به اعتقاد شیعه امام آگاه ترین، عادل ترین فرد جوامع است، دارای مقام عصمت و تمام حرکات و سکنات او حساب شده و قابل الگوبرداری است. شناخت چنین امامی است که باعث اعتقاد و ایمان به او و پیروی بی چون

۱- . عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۰، ب ۳۵.

وچرای از او خواهد شد و بر همین اساس است که انسان تا سر حد فداکاری در راه آرمان های امام خود گام برمی دارد و مفاهیمی که در مضامین زیارت ها و دعاهای شیعه آمده است عینیت پیدا خواهد کرد: «پروردگارا مرا از یاران و کمک کنندگان آن [امام] بزرگوار و کسانی که از آرمان های او دفاع می کنند و از پی انجام مقاصدش می شتابند و اوامرش را امتثال و از وی حمایت و به جانب اراده اش مشتاقانه سبقت می گیرند و در حضور حضرتش به درجه رفیع شهادت می رسند قرار ده»(۱).

افزون بر آن که مسأله ی شناخت و اعتقاد عمیق به امام و امامت مقدمه حاکمیت «نظام الهی» است زیرا با شناخت امام زمان و پیروی از آنان است که نظام الهی تحقق پیدا می کند و در غیر این صورت باید ناچار تن به یک نظام جاهل و رژیم غیراسلامی داد.(۲)

به همین جهت در روایات فراوانی دیده شده است که لازم است مردم شناخت حقیقی نسبت به امام زمان خود داشته باشند و امام هشتم علیه السلام نیز می فرماید: اگر کسی امامان خود را به درستی نشناسد و بمیرد مانند زمان جاهلیت یعنی در حالت کفر و بی دینی مرده است.

ما مردم شیعه که درباره ی امامت این همه اصرار به خرج می دهیم و از آیات قرآن و سنت نبوی و تجربه تاریخی در این باره دست برنمی داریم برای همین حقیقت است یعنی لزوم و

۱- . فرازی از دعای عهد، مفاتیح الجنان، ص ۱۰۵۰.

۲- . زیرا برای حاکمیت دو نظام کلی قابل تصور است یکی نظام الهی با وجود پیامبران یا امام معصوم آن هم در صورتی که مردم شناخت به امام داشته باشند تا از امام خود پشتیبانی و پیروی نماید و دیگری نظام جاهلیت و رژیم غیراسلامی و برخی مضمون حدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه» را همین می دانند. ر.ک: صافی گلپایگانی، نظام امامت و رهبری، ص ۸ و ۹.

حتمیت صفاتی چند در پیشوا، از جمله شناخت کامل و قاطع [همراه با] ایستادگی و پایداری تا سر حدّ خون و شهادت این عقیده (جز جنبه های الهی آن) والاترین آرمان است یعنی این که ما شیعیان برای بشریت جز پیشوای عادل و معصوم و عامل و صادق نمیپسندیم. در هر صورت اعتقاد به امامت وقتی ارزشمند است که پایه ی معرفتی داشته باشد در این صورت است که با هسته ی اصلی ایمان در می آمیزد و در جان انسان نقش می بندد.(۱)

محقق معروف مصری «حامد حنفی» در این باره می گوید: «شیعه این شعله را در همه فراز و نشیب های تاریخی با خویشتن داشته است و این شور و گداز با گوشت و خون شیعه همچون خود ایمان در دل مؤمنان ممزوج گشته است، آری شیعه مردمی مؤمن و صاحب مسلک اند و این ایمان از نوع تقلید و زبانی نیست و همین ایمان ژرف و مسلک اعتقادی است که تنها شیعه آن را در همه قرن ها نگهداشته است راز پشتکاری است که در دعوت آنان به چشم می خورد و در انفجارهای علمی پیاپی که در تألیف های آنان دیده می شود و در فریاد جاودان پایی که در نوشته های آنان همواره طنین افکنده است.(۲)

ص:۵۳

۱- . حکیمی، محمدرضا، امام در عینیت جامعه، ص ۸۵ و ۸۶.

۲- . الرضوی، سیدمرتضی، مع رجال الفکر فی القاهره، ص ۸۰ و نیز حکیمی همان.

گریه بر امام حسین علیه السلام

امام رضا علیه السلام خطاب به شخصی (فرزند شبیب) فرمود: «إن بَکیتَ عَلی الحسَینِ حّتی تَصیَر دُمُوعُکَ عَلَی خَدّیکَ غَفَرَ اللهُ لَکَ کُلَّ ذَنبٍ اَذَنبتُهُ صَغیراً کانَ أو کبیراً قلیلاً کان أو کثیراً(۱)»؛ اگر بر حسین علیه السلام گریه کردی تا این که اشکانت بر گونه هایت جاری گشت خداوند هر گناهی را که انجام داده ای کوچک باشد یا بزرگ، کم باشد یا زیاد همه را می آمرزد.

شرح: با اثرترین و غم انگیزترین حادثه جهان اسلام قیام امام حسین علیه السلام و حادثه ی کربلا است که نمی توان نسبت به آن بی تفاوت بود. یکی از راه های ارتباط با سیدالشهدا علیه السلام شرکت در عزاداری و گریه ی بر آن حضرت است، از دو جهت بر ما مسلمانان لازم است با این جریان در ارتباط باشیم یکی از این جهت که حسین بن علی علیه السلام پیشوای، مسلمانان و فرزند رسول خدا است و دیگری از این جهت که برای حفظ اسلام و امر به معروف و نهی از منکر جان خود را فدا نمود و به فیض شهادت رسید و با شهادت خود دین اسلام را حیات جدیدی بخشید و چراغ هدایت و شمع فروزنده جوامع گردید. به همین جهت در روایات فراوانی سفارش اکید شده است که بر حسین علیه السلام گریه کنید و گریه بر آن حضرت ثواب زیادی از جمله آمرزش جمیع گناهان را دارد،در این روایت نیز امام هشتم به فرزند شبیب سفارش می کند که اگر بر حسین علیه السلام گریه کردی و اشکانت جاری شد تمام گناهانت آمرزیده می شود، شاید فلسفه آن در

۱- . عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۸، ۲۶۹، باب ۲۸، حدیث ۵۸.

ارزش شهادت نهفته باشد.

زیرا آرمان شهید بالاترین آرمان هاست که با منطق عشق و هم با منطق اصلاح دینی و اجتماعی به استقبال شهادت رفته است، شهید خود می سوزد و جامعه ای را روشن می کند و هر قطره خونش وارد پیکر اجتماع می شود، آرمان ها، اهداف و اندیشه های او برای جامعه الگو می گردد، به همین علت است که استاد شهید مطهری می فرماید: گریه بر شهید، شرکت در حماسه او و هماهنگی با روح او و موافقت با نشاط او و حرکت در موج اوست.(۱)

فلسفه گریه ی بر شهید بعد جامعه شناختی آن است و آن ارتباط شهید با جامعه خود است زیرا او برای نجات جامعه جان خود را از دست داده است و جامعه نیز از فیض یک انسان والا محروم مانده است لذا به جاست که پیروان شهید در فقدان امام شهید و شمع محفل تاریکی خود متأثر شوند. افراد جامعه با حالت گریه می توانند احساس کنند بیش از هر حالت دیگر به محبوب خود نزدیک ترند، با گریه می توان با اهداف، اندیشه ها و آرمان های شهید پیوند برقرار کرد و با او پیمان بست که راهش ادامه داده می شود.

امام حسین علیه السلام به خاطر شخصیت عالیقدرش، به واسطه ی شهادت قهرمانانه اش و خدمتی که به همه ی انسان ها کرده است مالک قلب ها و احساسات صدها میلیون انسان است.

راز بقای امام حسین علیه السلام این است که قیامش در خدمت انسانیت، دین و منطبق با خواسته های فطری بشر و رضایت

۱- . ر.ک: مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی به ضمیمه شهید، ص ۹۰.

معبود است به همین جهت باعث شده در عمق احساسات و عواطف افراد جامعه راه یابد، ائمه ی اطهار علیهم السلام که به گریه بر آن حضرت سخت توصیه کرده اند حکیمانه ترین دستورها را داده اند زیرا این گریه است که باعث می شود نهضت امام حسین علیه السلام، پایدار مانده و اهداف و پیام های آن در اعماق جان مردم نفوذ کند.

یادآوری می شود این که امام رضا علیه السلام فرمود: تمام گناهان چه گناه کبیره یا صغیره، کم یا زیاد آمرزیده می شود اما این گونه نیست که حق الناس نیز آمرزیده می شود(۱) و حق الناس تنها با ادای حقوق مردم و رضایت آنها آمرزیده خواهد شد.

نکته دیگر این است که این آموزه ها نباید افراد را به سوی گناه بیشتر بکشاند و باعث شود تا به گناه روی بیاورند و بعد بگویند با گریه و اشک ریختن بر حسین آمرزیده می شویم بلکه منظور تحول درونی است که باید با گریه و پیوند برقرار کردن با امام و شهید، راه او ادامه یافته و کمتر به سوی گناه بروند.

۱- . مانند توبه که گناهان را می آمرزد اما حق الناس بر اساس ادای حقوق مردم آمرزیده خواهد شد.

سه روز هولناک

امام رضا علیه السـلام فرمود: «إنَّ أوحَشَ ما یکونُ هـذا الخَلقُ فی ثلاثَهِ مَواطِنَ: یومَ یولِدُ وَ یخْرُجُ من بَطنِ أمَّهِ فَیَری الدُّنیا و یَومَ یَموُتُ فَیُعاینُ الآخِرهَ و أهلها و یَومَ یُبَعثُ فَیَرَی احکَاماً لَمْ یَرَها فِی دَارِ الـدُّنیا»(1)؛ وحشتناک ترین حالت برای مخلوق سه زمان است: روزی که از شکم مادر متولد می شود و دنیا را می بیند و روزی که می میرد و عالم پس از مرگ و اهل آن را مشاهده می کند و روز رستاخیز که بار دیگر زنده می شود و احکامی را می بیند که در دنیا ندیده بود.

شرح: در این روایت امام هشـتم علیه السلام به سه روز خطرناک و سرنوشت ساز در زندگی انسان ها اشاره می کند که هر سه روز آغـاز فصـل نوینی برای انسان می باشـد و سـلامتی در آنها بسـیار مهم است که جز به لطف خداونـد میسر نمی شود آنها عبارتند از:

۱- روز تولـد: یکی از روزهـای هولناک زنـدگی انسان که کسـی به یاد نمی آورد زمانی است که نوزاد از عالم جنین به عالم دنیـا منتقـل می شود و یکباره به یک محیط ناآشـنا یعنی عالم دنیا وارد می شود که به او هیجان و اضـطراب دست می دهـد به همین علت نوزاد هنگام تولد دارای اضطراب و گریه ی شدید است.

۲ - روز مرگ: یکی از حالاـت بسیار سـخت و وحشـتناک انسان زمان مرگ است، حالاتی که هنگام مرگ وجود دارد یکی هیجان و اضـطراب فوق العاده شبیه حالت مستی است که انسان احساس می کند در حال انتقال به جهان ناشناخته دیگری است و در قرآن از آن به «سکره الموت» تعبیر می کند: «و جاءت سَکره

۱- . حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۳، ۳۳۵، حدیث ۷۵.

الموت بالحق»(۱) سرانجام سکرات مرگ فرا می رسد. از روایات استفاده می شود که حتی پیامبران و مردان بزرگ الهی که از آرامش روحی خاصی برخوردارند از هیجانات هنگام احتضار بی نصیب نیستند. در حالات پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می خوانیم که در لحظات آخر عمر مبارکش دست در ظرف آبی می کرد و به صورت می کشید و «لااله الاالله» می گفت و می فرمود: «إنّ للموت سکرات» مرگ دارای سکرات است.(۲)

همچنین حالت دیگری که در زمان مرگ وجود دارد که بسیار حالت سخت و شدیدی است و به آن «غمرات» به معنای شداید مرگ می گویند.(۳)

امام علی علیه السلام در روایتی می فرماید: مرگ شداید و سختیهایی دارد شدیدتر از آن چه در وصف بگنجد یا با معیار عقل مردم دنیا سنجیده شود.(۴)

پیدایش چنین حالتی در لحظه مرگ یا به خاطر آن است که انتقال از جهانی به جهان دیگر که از جهات مختلف ناشناخته است و به انسان حالت هیجان دست می دهد و یا به خاطر مشاهده اوضاع و شرایط بعد از مرگ و قرار گرفتن در برابر نتیجه اعمال و ترس از سرنوشت است و یا به خاطر جدایی از دنیا و افراد و نزدیکان و اشیاء مورد علاقه انسان.(۵)

۱- . ق، ۱۹.

۲- . تفسیر روح البیان، ج ۹، ۱۱۸.

۳- . در آیه قرآن آمده است «و لو تری اذ الظالمون فی غمرات الموت» هنگامی که ببینی این ظالمان در شداید مرگ فرو رفته اند. انعام، ۹۳.

۴- . غرر الحکم

۵- . ر.ک: مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۵، ۴۳۲.

۳ – روز رستاخیز: یکی از روزهای هولناک مراحل زندگی انسان روز رستاخیز است روزی که مردگان بار دیگر جهت حسابرسی اعمال زنده می شوند، این همان روزی است که همه از قبرها سراسیمه و شتابان خارج می شوند در حالی که چشم های آنها از شدت وحشت به زیر افتاده و پرده ای از ذلت و خواری آنها را پوشانده است و این همان روز وحشتناکی است که قرآن می فرماید: «مادران شیرده کودکان شیرخوار خود را فراموش می کنند و هر زن بارداری حمل خود را بر زمین می گذارد و مردم را مست می بینی در حالی که مست نیستند ولی عذاب خدا شدیدتر است»(۱).

و قرآن نیز این سه روز را در زندگی بسیار مهم و بحرانی می داند به همین جهت خداوند در این سه روز برای حضرت یحیی علیه السلام سلامت و عافیت می خواهد و می فرماید: «و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً»(۲)؛ و سلام بر یحیی آن روز که تولد یافت و آن روز که می میرد و آن روز که زنده برانگیخته می شود.

چنان چه حضرت عیسی علیه السلام نیز برای خود درخواست سلامتی در این سه روز می کند(۳)، چرا که سلامت در آنها جز به لطف خدا میسر نمی شود و از خداوند باید استمداد نمود که ما را نیز در این زمان های بحرانی و هولناک به سلامت به سرمنزل مقصود برساند.

۱- . معارج، ۴۳ و ۴۴.

۲- . مریم، ۱۵.

۳- . مریم، ۳۳.

زندگی و خانواده

اشاره

ص:۶۱

هدف و زندگی

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «إعمَلْ لِدنُیاکَ کأنَّکَ تَعیشُ اَبَداً و إعمَلْ لاخَرِتکَ کَانَّکَ تَمُوتُ غَداً»(۱)؛ برای دنیای خود به گونه ای عمل کن گویا همیشه می خواهی بمانی و برای آخرتت آن چنان عمل کن گویا فردا خواهی مرد.

شرح: در این جهان هستی هیچ چیز بی هدف نیست، زیرا خالق آن حکیم و کار عبث و بیهوده از او امکان ندارد، آیات فراوانی از قرآن از جمله «آل عمران/ ۱۹۱، دخان/ ۳۸ و ۳۹، ص / ۲۷ و ....» هدفمند بودن کل جهان هستی را بیان نموده، حتی بالخصوص آفرینش و زندگی انسان را دارای هدف و هر گونه عبث و بیهودگی را در آفرینش آن نفی می نماید از جمله سوره «مؤمنون / ۱۱۵ و ملک / ۲ و ...».

امام علی علیه السلام نیز در سخنی می فرماید: خدای سبحان شما را بیهوده نیافریده و به حال خود وا نگذاشت»(۲).

آن چه مهم به نظر می رسد شناخت هدف صحیح زندگی است و این که انسان بداند برای چه آمده است و به کجا می رود؟ و به قول شاعر:

همه روز فکر من این است و همه شب سخنم

که چرا غافل از احوال دل خویشتنم

از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود

به کجا می روم آخر ننمایی وطنم

۱- . حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۹.

۲- . نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۶۳.

در هر صورت شناخت هدف صحیح برای زندگی از عوامل نشاط، شادابی و تلاش برای زندگی است چنان که عدم آگاهی از هدف زندگی موجب افسردگی و چه بسا پوچی در زندگی شود، آیا دنیا می تواند هدف اصلی برای زندگی باشد؟ یا آن را مقدمه ای برای یک زندگی طولانی و برتر بدانیم؟ به تعبیر دیگر آیا مقصود از زندگی تنها خوردن و آشامیدن و شهوت است یا هدف آخرت و رسیدن به کمال انسانی و رحمت الهی است. در نتیجه دنیا ابزاری برای کسب آخرت می باشد. کسانی که هدف صحیحی برای زندگی نیافتند به پوچ گرایی رسیده و همین دنیا را آخرین خط و سرمنزل مقصود دانسته و سرانجام دست به خودکشی زده اند. در مقابل کسانی که به هدف صحیح دست یافتند، در دنیا تلاش و کوشش فراوان نموده و هیچ وقت دست از تلاش و کوشش برنداشته بلکه تلاش های خود را در دنیا جهت دار کرده اند، رنگ و بوی الهی و اخروی به کارها داده اند، و به بالاترین سعادت ها رسیده اند و نام خود را در زمره ی نام آوران تاریخ ثبت کرده ند به همین جهت امام رضا علیه السلام زندگی را دارای هدف صحیح می داند، اما برای رسیدن به این هدف دو نوع برنامه ریزی را بیان می کند، هم باید برای زندگی دنیا برنامه ریزی کرد و هم آمادگی لازم برای آخرت پیدا نمود، زندگی دنیا و آسایش آن نیاز به انضباط، محکم کاری و تلاش دارد، مسلمان می تواند در دنیا خوب زندگی کند، نیازهای خود و خانواده را برطرف نماید، اما این کار به یک برنامه ی دقیق و منظم و صحیح نیاز دارد، مسلمان نباید عمر و وقت خود را بیهوده هدر دهد بلکه باید از تمام اوقات زندگی بهره ببرد، با ناامیدی زندگی کردن،

ص:۶۳

به خاطر این که انسان روزی از این جهان می رود، همچنین وجود امور ناپایدار مانند مرگ، شکست بر هدف ها، نرسیدن به برخی از آرزوها، شرایط اجتماعی نامناسب نباید انسان را به پوچ گرایی و بی هدفی بکشاند و این تصور فرهنگی غلط است، سستی و تنبلی و کسالت به همراه می آورد، انسان هر چه به دست می آورد مرهون تلاش و کوشش است، انسان های موفق در تمام شبانه روز، دارای نظم بوده و با تلاش های مثبت و مفید به یک زندگی صحیح رسیده اند. برنامه دیگر انسان آمادگی برای آخرت است، مسلمان نسبت به مسائل دینی و معنوی باید آن قدر حساس باشد که اگر فردا

از این جهان رخت بر بست دارای توشه باشد و به غضب و خشم الهی گرفتار نشود و این نیاز به برنامه ریزی دارد، عبادت ها را به موقع انجام دهد، عبادتها را با ریاکاری و زهد دروغین نابود نکند، حقوق دیگران را رعایت کند، گناه نکند، اگر مبتلا به گناه شد با استغفار و توبه حقیقی دامن خود را از گناه شست وشو دهد، اگر حقی از مردم به گردن دارد، ادا کند، نقاط تاریک و مبهم زندگی خود را با کارهای نیک تبدیل به روشنایی نماید، چنان اهمیت به این مسایل بدهد که اگر فردا بمیرد آخرت او نیز با سعادت همراه باشد.

ص:۶۴

برنامه های اساسی زندگی

امام رضا علیه السلام فرمود: «عَلَیکُمْ بِتَقْوی اللهِ و الوَرَعِ وَ الاجتَهاد وِ أَداءِ اَلَامانَهِ و صِدقِ الحَدِیثِ و حُسنِ الجَوارِ فَبَهذَا جَاءَ مُحَّمدٌ صلی الله علیه وآله وسلم».(۱) بر شما باد به پارسایی، ترس از خدا و کوشش در طاعت و بندگی و ادای امانت و راستگویی و حسن همجواری، این ها اساس رسالت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است.

شرح: رعایت برنامه های اساسی مانند نظم در زندگی، موجب موفقیت بیش از پیش انسان است، برنامه های اساسی در دین زیادند. امام هشتم علیه السلام به چهار برنامه ی ارزشمند زندگی که بر اساس رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم بیان شده است، اشاره می نمایند تا افراد بتوانند خود را با دین اسلام هماهنگ نموده و زندگی بهتری داشته باشند.

۱ – تقوا و ترس از خدا: یکی از مهم ترین رازهای سعادت در دنیا و آخرت، پرهیزکاری و ترس از خدا است که با دوری از گناهان و تلاش در عبادت و بندگی که همراه با عمل صالح است به دست می آید.

۲ – ادای امانت: یکی از ویژگی های خوب برای هر مسلمانی امانت داری و بازگرداندن امانت به صاحب اصلی آن می باشد. مسلمان باید در جامعه مورد اعتماد و تکیه گاه افراد مختلف باشدو منظور از این امانت تنها امور مادی نیست، بلکه شامل راز و گفتار محرمانه نیز می شود. این یک وظیفه الهی است که

۱- . بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۸.

قرآن نیز به آن امر کرده است(۱)، اگر هر مسلمانی به این وظیفه عمل کند. زمینه امنیت عمومی به ویژه امنیت اقتصادی در جامعه فراهم شود.

۳ - راستگویی: از مهم ترین فضیلت ها و صفات نیک هر مسلمان راستگویی است، راستگویی در نجات انسان ها بسیار مؤثر است، زیرا زمینه ی انجام کارهای صحیح، رسیدن به هدف، ثبات فکری و عملی خواهد بود، همچنین راستگویی نشانه ی سلامت انسان و مطابق بودن پندار با گفتار یا ظاهر با باطن است به خلاف استفاده از دروغ که حرکت از بی راهه و کار انسان های ضعیف و ناتوان است.

۴ - رعایت حق همسایه: از سفارشات اکید اسلام حسن همجواری و رعایت حق همسایه است، رفتار پسندیده و معاشرت نیکو با همسایه موجب جلب محبت آنها خواهد شد. کمک کردن به همسایگان از مهم ترین وظایف هر مسلمان است و چون انسان موجودی اجتماعی است و زندگی همواره با مشکلات و سختی ها همراه است، انسان ها به کمک یکدیگر نیازمندند و چه کسی بهتر و نزدیک تر از همسایه خواهد بود، نیک رفتاری باعث ارتباط، پیوند مستحکم، رفت و آمد و از بین رفتن احساس تنهایی و غربت خواهد بود.

۱- . إن الله یأمرکم أن تؤدوا الامانات إلی أهلها. نساء/ ۵۸.

تلاش برای زندگی

امام رضا علیه السلام فرمود: «إنَّ الَّذِی یَطلُبُ مِن فَضلٍ یَکُفُّ بِهِ عَیالَهُ اَعظَمُ اَجراً مِنَ المُجاهِدِ فِی سَبِیلِ اللهِ»(۱). کسی که به دنبال روزی و فضل خداوند باشد، تا هزینه ی خانواده خود را تأمین کند پاداشش بیشتر از کسی است که در راه خدا جهاد کند.

شرح: هر مسلمانی برای به دست آوردن روزی حلال و برطرف کردن نیازهای زندگی خود باید تلاش کند تا به مردم نیاز نداشته باشد. از نظر اسلام کار و تلاش برای زندگی عبادت است. انسانی که اهل تلاش و کوشش است همه او را دوست دارند، خداوند او را دوست دارد و میان مردم محبوب است، اساساً به

دست آوردن یک زندگی خوب و آبرومند در پرتو کوششهای خوب و مثبت انسان است. تنبلی، سستی، کسالت، خود را ناتوان تصور کردن با روح ایمان سازگاری ندارد.

این حقیقت را نباید پنهان داشت که مسلمان هرگز در درون خود راضی نمی شود در خانه بنشیند و سربار مردم باشد و دیگران نیازهای زندگی او را تأمین کنندو اگر کسی این تفکر را داشته باشد که من در خانه می نشینم و مشغول عبادت می شوم و دست به دعا برمی دارم و خداوند نیز روزی من را می رساند اندیشه ای باطل است و با عزت انسان با ایمان سازش ندارد.

انسان در حد توان باید به خود متکی باشد اگر چه برای کسب و به دست آوردن روزی به شهرهای دوردست سفر کند.

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۹، و ر.ک: میزان الحکمه، ج ۴، ۱۱۹، حدیث ۷۲۰۴.

نکته قابل توجه این است که انسان مسلمان در نوع طلب معیشت و زندگی باید اهمیت دهد و زندگی او از کسب حلال باشد. نه از هر جا و از هر راهی به دست آید، کار و زندگی نباید از راه حرام باشد، زیرا درآمد و غذای حرام، در اندیشه، عقاید، آینده ی فرزندان و زندگی روزمره تأثیرات منفی خواهد گذاشت و انسان به گناه و فسق مبتلا خواهد شد، در نتیجه زندگی برکت و رشدی نخواهد داشت و حتی انفاق از مال حرام نیز بی نتیجه و بی پاداش خواهد بود.

به همین جهت امام رضا علیه السلام در یک درس بزرگ به ما می آموزد کسی که به امید روزی و فضل پروردگار به دنبال روزی[حلال] می رود تا خانواده خود را تأمین کند و نیازمند دیگران نباشد، عمل وی از بهترین عبادات است و پاداشش نزد خداوند بیش از کسی است که در راه خدا جهاد و مبارزه کند.

ص:۶۸

مهربانی با خانواده

امـام رضا علیه السـلام فرمود: «أَحسَنُ النَّاسِ اِیمَاناً أحسَـنُهُم خُلُقاً و اَلطَفُهُم بِاَهلِهِ وَ أَنَا أَلطَفَکُم بِأَهلِی»(۱)؛ کسی ایمانش بهتر از دیگران است که اخلاقش نیکوتر و با خانواده اش مهربان تر باشد و من مهربان ترین فرد نسبت به خانواده ام هستم.

شرح: ایمان دارای مراتبی است که در این روایت به دو مرتبه آن اشاره شـده است یکی اخلاق نیکو با مردم و دیگری مهربانی با خانواده.

اخلاق نیکو از بهترین عباداتی است که اسلام به آن سفارش می کند تا جایی که پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم یکی از اهـداف بعثت خود را تکمیـل اخلاـق می دانـد، اخلاـق خوب از عوامـل ورود به بهشت، آبـادی خانه ها و طولانی شـدن عمر برشمرده شده است(۲)، کسـی که دارای اخلاق خوب است شـهد زنـدگی و آب زلال حیات را گوارا درک می کنـد، دارای آرامش روحی هسـتند، که دیگران را شـیفته ی خـود می سازنـد. در مقابـل افراد بـداخلاق بـاعث شـکنجه ی خـود، دوسـتان، اطرافیان و بسـتگان می شوند و بزرگ ترین شکنجه ها را خود می بینند، زندگی همواره برای آنان تلخ، عمرشان کوتاه، انسان های دیگر از دور او پراکنده و جسمشان در عذاب است.

مهربانی با خانواده رتبه دیگری برای ایمان است که در تداوم و آرامش زندگی نقش اساسی دارد. بسیاری از مردم اخلاق و

۱- . عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۸، صحیفه الرضا، ص۱۲ ، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۸، حدیث ۳۴.

۲- . شبرّ اخلاق بشرّ، ص ۲۵- ۲۷، ترجمه جباران(انتشارات هجرت).

رفتـار آنهـا در اجتماع خوب است اما اخلاق و رفتار آنها با خانواده مطلوب نیست، همسـر و فرزنـدان وی از دست آنها راضـی نیستند.

مرد باید بداند که زن مانند مرد برخوردار از انسانیت و روح کامل انسانی و اراده و اختیار است و خداوند او را در مسیر تکامل آفریده است در نتیجه برای برخورداری از زندگی خوب و مهربانی با همسر بر نکات زیر تأکید می شود:

۱ – انسان باید محبت به زن را اظهار کند که اظهار محبت زندگی را از سردی می رهاند و در حدیث وارد شده است که اگر مرد به همسر خود بگوید دوستت دارم هرگز از دل او بیرون نمی رود و به فرزندان نیز باید محبت داشت و آنها را بوسید که خوشحالی آنها خوشحالی انسان در روز قیامت است.

۲ – به شخصیت زن احترام گذاشته و او را شریک زندگی و مربی فرزندان خود بداند.

۳ – تندخویی و درشت گویی با فرزندان آثار بدی از جمله تربیت نامطلوب اجتماعی در بر خواهد داشت.

۴ – احترام به همسر باید همراه با رعایت حقوق زن باشد و توجه به این نکته لازم است که وظایفی همچون غذا پختن، لباس شستن، نظافت خانه که عرفاً متداول است از وظایف اخلاقی زنان است نه حقوق مردان.

۵ – نارسایی و عیوبی که گاهی در کارها پدید می آید به رخ همسر کشیده نشود و حتی در برابر بداخلاقی زن باید صبور بود و در زمانی که زن در خانه خسته است باید مرد با او مدارا نموده و اخلاق و رفتاری متناسب با نیاز روحی وی انجام دهد و با لطافت در زندگی برخورد نماید.

ص:۷۰

نکات فوق ما را متوجه آثار اخلاق نیک و مهربانی با خانواده می نمایـد که چه قـدر می توانـد در ایمان تأثیر داشـته باشـد که امام هشتم نیز این دو موضوع را از ویژگی های ایمان بهتر شمرده اند.

ص:۷۱

نیکی به پدر و مادر

امام رضا علیه السلام فرمود: «بِرُّ الوَالدینِ وَاجبٌ و اِن کانا مُشرِکَینِ وَ لاطَاعَهَ لَهُمَا فِی مَعصِیَهِ اللهِ عزَّوَ جَلَّ(۱)»؛ خوش رفتاری با پدر و مادر اگر چه مشرک باشند واجب است اما پیروی از آنان در امر حرام و گناه صحیح نیست.

شرح: یکی از زیباترین آموزه های دین اسلام نیکی به پدر و مادر است، رعایت حقوق والدین آن قدر مورد اهمیت است که در آیاتی از قرآن، پس از دعوت به توحید و پرستش خداوند و دوری از شرک، انسان ها را به رفتار نیک با پدر و مادر دعوت می کند.

وظیفه هر مسلمان این است که به پدر و مادرش نیکی کند، با آنان بهترین رفتار را داشته باشد بلکه باید نهایت تلاش در گرامیداشت آنان داشته باشد به گونه ای که بال و پر مهربانی و محبت برای آنان بگستراند و شایسته نیست هیچ گونه کوتاهی در خدمتگزاری آنان بنماید، رعایت حقوق والدین آن قدر مهم است که حتی اگر آن دو کافر و مشرک نیز باشند احترام آنها واجب و لازم است. به همین جهت امام هشتم علیه السلام در جمله کوتاه خود، از نکات مهم دینی خوش رفتاری و نیکی به پدر و مادر است اگر چه آن دو مشرک باشند.

مطالب مهم و ظریفی درباره نیکی به پدر و مادر وجود دارد که رعایت آنها موفقیت های زیادی در طول زندگی برای انسان به ارمغان می آورد:

۱ - در چهار آیه از سوره های مختلف قرآن (انعام/۱۵۱، نساء/۳۶، اسراء/۲۳ و بقره/۸۳) بعد از مسأله ی توحید و دعوت به

۱- . عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ۱۳۲، ب ۳۵.

یگانگی و پرستش خداوند، سفارش نیکی به پدر و مادر می کند و این همردیف بودن می رساند که قرآن تا چه اندازه برای پدر و مادر ارزش قایل است.

۲ - در برخورد و نوع سخن گفتن صدای خود را نباید بلندتر از صدای پدر و مادر برد.

۳ - با آنان به نرمی و نیکی سخن بگوید نه با تندی و فریاد زدن.

۴ - سخن تند، توهین آمیز، حرف های بی ادبانه، به تعبیر قرآن «اف گفتن» در برابر آنان جایز نیست.

۵ - هنگام راه رفتن جلوی آنان راه نرود و حتی قبل از آنان ننشیند.

۶ - احسان به والدین را بی واسطه به دست خود انجام دهد.

۷ - فرزند در هر موقعیت و مقامی که باشد باید در مقابل والدین متواضع و فروتن باشد، مقام و موقعیت خود را نمی تواند به رخ بکشد و حتی می توان گفت هر چه دارد از آنان است و نباید فراموش کند که اصل و ریشه وی از همین پدر و مادر است.

۸ - نکته ی قابل توجه که امام هشتم علیه السلام نیز بدان اشاره دارد این که در احسان به والدین، مسلمان یا خوش اخلاق بودن آنان شرط نیست بلکه حتی اگر مشرک یا بداخلاق باشد باز هم احترام و احسان به آنان لازم است.

۹ - فرمانبرداری از پدر و مادر اگر چه لازم است اما اگر در مسیر شرک و کفر بر خلاف دستورات دین دستوری صادر کنند همان طور که امام رضا علیه السلام فرمود: نباید از آنان پیروی نمود.

۱۰- میان حکم و فرمان هر یک از پدر و مادر تفاوتی نیست.

ص:۷۳

ارتباط با خویشاوندان

امام رضا علیه السلام فرمود: «مَن سَرَّهُ أَن یُنسَأَ فِی أجَلِهِ وَ یُزَادَ فِی رزِقِهِ فَلیَصِل رَحِمِه»(۱) کسی که دوست دارد عمر طولانی داشته باشد و روزی اش بیشتر گردد صله رحم نماید و به خویشاوندانش رسیدگی کند.

شرح: نزدیک ترین افراد به انسان خویشاوندان هستند، رابطه آنها با یکدیگر از نظر اسلام از مهم ترین وظایف اجتماعی و به عنوان یک وظیفه دینی تلقی می شود که هیچ قانون اخلاقی دیگر جایگزین آن شود، محبت، تعاون، همکاری با خویشاوندان باعث نزدیک تر شدن افراد و نسبت ها به یکدیگر می شود.

صله ی رحم یک حرکت انسان دوستانه است که قرآن و روایات نسبت به آن اهمیت فوق العاده ای قایل شده است، فلسفه آن پیوند بزرگ اجتماعی مسلمانان است چرا که همیشه برای اصلاح، تقویت و عظمت بخشیدن به یک اجتماع بزرگ از جنبه های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و نیز اخلاقی و معنوی باید از واحدهای کوچک آغاز کرد، با اصلاح و تقویت خانواده ها، جامعه بزرگ مسلمانان نیز اصلاح و تقویت خواهد شد. اسلام از این برنامه بهره کافی برده، دستور داده است افراد با خویشان خود به هر نحو ممکن حتی با جرعه ای از آب ارتباط برقرار کنند، اسلام به تقویت مجموعه ای توصیه می کند که خونشان در رگ و پوست یکدیگر در گردش است و فطرت آنها نیز بدان گرایش دارد، صله ی رحم افزون بر آرامش روانی و اجتماعی در زندگی

۱- . عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۴، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۹۱، ج ۱۵.

باعث برکات فراوانی است، رسیدگی به

نزدیکـان، حل مشـکلات آنان، آبادی و عمران شـهرها، طولانی شـدن عمر، زیادی روزی و ... از جمله آنها است. امام هشـتم علیه السلام در حدیث فوق به دو اثر از آثار ارزشمند صله ی رحم اشاره دارند، یکی طولانی شدن عمر و دیگری زیادی رزق.

ص:۷۵

اخلاق

اشاره

ص:۷۷

فروتنی

امام رضا علیه السلام فرمود: «التَّوَاضُعُ أَن تُعطِيَ النَّاسَ مَا تُحِبُّ أَن تُعطَاهُ»(۱) تواضع در برابر مردم آن است که آن چه دوست داری دیگران به تو بدهند تو به دیگران ببخشی.

شرح: یکی از آداب معنوی و اخلاقی تواضع و فروتنی است که نشانه کمال انسان است زیرا هر چه فرد کامل تر باشد تواضع و خاکساری اش افزون تر خواهد بود. بیشتر کسانی که تکبّر می ورزند به خاطر کمبودها و ضعف هایی است که می خواهند با خودنمایی بر آن سرپوش نهند.

تواضع گاهی در برابر خداست که در عبادت تجلّی پیدا می کند، حالت سجده، رکوع، سحرخیزی برای عبادت بهترین حالات تواضع در برابر خداست و گاهی در برابر مردم است مانند سلام کردن بر دیگران، پاسخ دادن به خواسته ها و نیازها، هم نشینی با مردم عادی و فقرا، هدیه ها و بخشش ها و ...

امام هشتم علیه السلام می فرماید: تواضع و فروتنی در برابر مردم این است که آن چه دوست داری دیگران به تو بدهند به دیگران ببخشی. انسان دوست دارد اگر دیگران می خواهند چیزی به او بدهند زاید بر زندگی، دورریختنی، فاسد نباشد بلکه دوست داشتنی، زیبا، ارزشمند و قابل استفاده باشد. بنابراین خود انسان نیز اگر می خواهد به دیگری چیزی بدهد شایسته است همین ویژگی ها را دارا باشد.

ص:۷۸

۱- . کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۴، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۳۵، میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۵۰۳، حدیث ۲۱۵۳۵.

لازم به یادآوری است که تواضع و بخشش بیش از حد، هر دو آفات مخصوص به خود دارند. تواضع تا حدی خوب است که برای رضای خدا باشد و به ذلت و خواری شخص نینجامد. همچنین مورد سوءاستفاده متکبّران واقع نشود و بخشش نیز تا حدی خوب است که انسان در زندگی محتاج دیگران نشود.

نیمی از عقل

امام رضا علیه السلام فرمود: «التَّوَدُّدُ اِلَی الَّناسِ نصِفُ العَقلِ»[(۱)](#)؛ محبت به مردم نیمی از عقل انسان است.

شرح: بخشی از یک زندگی خوب و موفقیت آمیز برخوردهای معقول و خردمندانه انسان در زندگی شخصی و در برابر افراد مختلف جامعه است، تدبیر خردمندانه با مشکلات در زندگی شخصی زندگی را لذت بخش و هموار نموده و برای اعضای خانواده آسایش به همراه دارد، اما یک بخش مهم زندگی برخورد صحیح با مردم جامعه است. بسیاری از مردم در زندگی روزمره با مشکلات مختلفی مواجه هستند، افزون بر آن که افراد جامعه نیز متفاوتند، همه یک جور نیستند، برخی دانشمند، برخی نادان، برخی ثروتمند، برخی صالح، برخی ناصالح، برخی با صبر و حوصله، برخی کم ظرفیت، عصبی و تندخو هستند در نتیجه برخوردها باید حساب شده، دقیق و منطبق با عقل و موازین اسلامی باشد، عقل و دین ما را به برخورد محبت آمیز دعوت می کند، عقل به ما می گوید در برخورد با مردم خوش رو، خوش خو، خوش زبان باش. آیات و روایات نیز ما را دعوت به نیکوکاری، برخورد شایسته با روی باز به دور از مجادله و سخنان ناشایست می کند.

امام هشتم علیه السلام در حدیث فوق به برخورد خردمندانه با مردم جامعه اشاره می نماید و محبت به مردم، اظهار دوستی نسبت به آنان را نیمی از عقل و خرد انسان می داند. محبت می تواند نقش

۱- . تحف العقول، ص ۵۲۰، حدیث ۱۵، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۵.

سازنـده برای خود فرد و آرامش اجتماعی برای مردم داشـته باشد و حتی از همیاری و همفکری آنان نیز اسـتفاده نماید. محبت یک اصل کلی است که گاهی با برطرف کردن مشـکل، گاهی با همفکری و مشاوره، گاهی با خوش زبانی و همـدلی، گاهی با خوش رویی و مانند آن امکان پذیر است و این همان معاشرت خوب با مردم است که نشانه ی خردمندی و عقل سلیم انسان است.

ص:۸۱

دوست و دشمن

امام رضا علیه السلام فرمود: «صدیقُ کُلِّ امرِیٍ عَقلُهُ و عَدُوُّهُ جَهلُهُ»(۱). دوست هر انسانی خرد او و دشمنش نادانی او است.

شرح: انسان در زندگی نیاز به همراه، یاور و دوست خوب دارد. دوست انسان، گاهی فردی آگاه، با ایمان و خیرخواه است، و گاهی از اولیای الهی است. گاهی کتاب و گاهی چیز دیگر. امام هشتم علیه السلام در این روایت می فرماید: دوست هر انسانی که می تواند یاور همیشگی و خوبی برای انسان باشد عقل انسان است. عقل ابزار تفکر و علم است. عقل ثمره ها و میوه های خوبی می تواند داشته باشد، انسان را به دانش برساند، از افراط و تفریط جلوگیری نماید، همیشه سبز روح و سبزرو و منشأ خیر باشد. در مقابل چنین دوستی انسان یک دشمن نیز دارد و آن جهل و نادانی هر فرد است. نادانی ریشه هر بدی می تواند باشد، به فرد و جامعه آسیب برساند. انسان جاهل همیشه یا در افراط یا در تفریط به سر می برد و انسان را به مشاجرات، مناظرات، رذایل اخلاقی می کشاند و به تعبیر زیبایی از امام علی علیه السلام جاهل سنگی است که هرگز آب از آن جاری نمی شود و درختی است که شاخه هایش سبز نمی گردد و زمینی است که گیاهی از آن نمی روید.(۲)

پس بکوشیم که با به کار بردن عقل، علم و دانش را کسب نموده و جهالت و نادانی را از خود دور کنیم تا زندگی فردی و اجتماعی سالمی داشته باشیم.

ص:۸۲

۱- . تحف العقول، ص ۸۰۴.

۲- . غرر الحکم

سه چیز مبغوض خداوند

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللهَ یُبغِضُ القِیلَ و القَالَ و اِضَاعَةَ المَالِ وَ کَثَرَةَ السُّؤالِ»(۱). خداوند جدال (قیل و قال) و از بین بردن مال و درخواست زیاد از دیگران را دشمن می دارد.

شرح: در حدیث فوق سه چیز موجب خشم خداوند معرفی شده است:

۱ - جدال در سخن: سخن معقول و منطقی اگر چه کم و همراه با سکوت باشد، شخصیت و هیبت انسان را بالا برده و موجب موفقیت خواهد بود، جروبحث و قیل و قال هنگام بحث و گفتگو که از آن تعبیر به مراء و جدال می کنند نه تنها موفقیت نمی آورد بلکه باعث درگیری بین دو طرف و تحریک خشم و قوه ی غضب انسان می شود زیرا هر طرف تلاش می کند سخنان خود را برتر بداند همچنین لجاجت و تحقیر یکدیگر را به دنبال خواهد داشت.

۲ - ضایع کردن اموال: بیهوده مصرف کردن و از بین بردن اموال و یا اسراف، کاری است که هیچ عقل و خردی آن را نمی پسندد، در واقع بی توجهی به نعمت الهی و در نتیجه کفران نعمت خواهد بود. انسان در مصرف اموال نه مصرف گرای افراطی باشد که اموال خود را تباه کند و نه در هزینه کردن دست تنگ و بخیل بلکه باید حد اعتدال و میانه را رعایت نمود.

۳ - درخواست از دیگران: برخی برای رفع نیازمندی خود شخصیت خود را در مقابل افراد دیگری که خود نیازمندند

۱- . تحف العقول، ص ۴۶۷.

کوچک می کند و با بردن تقاضاهای غیرضروری به نزد این و آن خود را وابسته و نیازمند می سازند و شخصیت انسانی خود را در هم می کوبند. هر درخواست مساوی است با سبک نمودن و خواری شخصیت انسان. بهترین درخواست باید از کسی باشد که بی نیاز کامل است و او خدا است نه انسانی که تمام وجودش فقر محض می باشد. بدین جهت امام هشتم علیه السلام می فرماید: یکی از چیزهای مبغوض نزد خداوند درخواست از دیگران است و اسلام دستور می دهد تا آن جا که انسان توانایی دارد روی پای خود بایستد و از زندگی «اتکالی و وابسته» بپرهیزد که بی نیاز شدن با کمک دیگران عین نیازمندی است.

ص:۸۴

طرح دوستی و برادری

امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنِ استَفَادَ أَخًا فِی اللهِ استَفَادَ بَیتًا فِی الجَنَّهِ(۱)» کسی که در راه خدا برادری به دست آورد، خانه ای در بهشت برای خود فراهم ساخته است.

شرح: یکی از آداب اجتماعی اسلام انتخاب دوست و برادری با ایمان در زندگی است.

دوست مؤمن به خاطر ایمان و اعتقادی که دارد خود را در برابر دیگری مسئول می داند او را به نیکی تشویق می کند از بدی باز می دارد ، راهنمای اوست و به او خیانت نمی کند، ستم روا نمی دارد، فریب نمی دهد، در سختی ها یاور خوبی است، وعده ای که می دهد به آن پایبند است. دوست و برادر با ایمان به خاطر کارهای خویش انسان را به یاد خدا می اندازد. در واقع صداقت و راستی را به طور کامل مراعات می کند، چنین دوستی باعث می شود انسان را به سعادت و بهشت راهنمایی کند.

بهره بردن از چنین برادر دینی مانند این می ماند که انسان در بهشت خانه ای برای خود بنا کند و از آن بهره ببرد و امام هشتم علیه السلام به همین نکته اشاره می نماید که به دست آوردن دوست و برادر ایمانی به دست آوردن خانه ای در بهشت است.

اما دوست بی ایمان انسان را به سوی گناه می کشاند به مجلس گناه دعوت می کند و همین باعث می شود حرکت انسان به سمت جهنم باشد، از یکی از بزرگان دین نقل شده است که من تا درب جهنم با دوست دوستی می کنم اما از درب جهنم به بعد از او کناره می گیرم(۲).

ص:۸۵

۱- . وسایل الشیعه، ج۱۴/۲۲ باب۹، حدیث۶

۲- از آیت الله میرزای حسین قمی این جمله نقل شده است وی در زمان رضا شاه به خاطر کشف حجاب در شاه عبدالعظیم بست نشست.

حیا و شرم

امام رضا علیه السلام فرمود: «الحَيَاءُ مِنَ الإِيمَانِ»(۱)؛ حیا از نشانه های ایمان است.

شرح: روابط اجتماعی بر اساس موازین خاص صورت می گیرد. سخن گفتن با یکدیگر، برخوردها، نوع پوشیدن لباس دارای قلمرو خاصی است که باید رعایت شود. احترام به دیگران چه در برخورد اعضای خانواده یا افراد دیگر، نیکو و باادب سخن گفتن، لباس پوشیدن مناسب، همچنین کاربرد اخلاق خوب و توجه به ابعاد معنوی در برخوردها از شاخصه های ایمان است، بدون تردید شخصیت ارزشمند هر فرد بیشتر در گرو همین ویژگی ها است.

اگر در سخن گفتن از الفاظ رکیک، زشت، بی پرده همراه با تمسخر، پوزخند، توهین، ناسزا و مانند آن استفاده شود افزون بر آن که برخی موارد گناه شمرده می شود شخصیت هر فردی نیز بی ارزش خواهد شد و خود از مصادیق بی حیایی و بی شرمی خواهد بود و همین باعث ضعف ایمان یا خروج از ایمان خواهد شد چنان که در روایات اشاره شده است که ایمان و حیاء به هم پیوسته و مقرون یکدیگرند و اگر یکی از آن دو برود دیگری نیز خواهد رفت.(۲) زیرا بی حیایی و بی عصمتی زمینه گناه و فساد اجتماعی به دنبال خواهد داشت.

ص:۸۶

۱- . عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص ۲۳۹.

۲- . اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۶.

حیا و عفت در زنان از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا بیشتر در معرض طمع و تهاجم مردان فاسد قرار دارند به همین جهت باید در سخن گفتن، پوشش و حجاب خود، عفت و حیای کامل و لازم را رعایت نماید و با داشتن حیا و عفاف است که در محیط اجتماعی خود می تواند فعالیت مطلوب داشته باشد و آن چه

که مانع حضور زن در جامعه است پدید آمدن زمینه های فساد، رعایت نکردن حریم ها و عفت ها است به همین جهت امام هشتم علیه السلام حیا و شرم را از نشانه های ایمان می داند.

ممکن است کسی تصور کند که در فراگرفتن مسائل دینی،عمل به وظیفه شرعی و حتی پرسش از یک مسأله شرعی و واجب نیز باید حیا به خرج داد، این جا مورد حیا و شرم نیست بلکه آموختن مسائل دینی از واجبات است و مسلمان نباید از پرسش کردن، فراگرفتن و عمل و تکلیف به حق و واجب، حیا و شرم کند زیرا در آگاهی از مسائل دینی هیچ گونه حیا و شرمی وجود ندارد.

ص:۸۷

اندوه زدایی از قلب ها

امام رضا علیه السلام فرمود: «مَن فَرَّجَ مِن مُؤمِنٍ فَرَّجَ اللّه مِن قَلبِهِ یَومَ القِیامَهِ»(۱)؛ هر کس که اندوهی از مؤمنی بگشاید خداوند در روز قیامت اندوه از قلبش بزداید.

شرح: یکی از ویژگی های افراد بزرگ و شایسته این است که تنها به خود فکر نمی کنند، به فکر دیگران نیز هستند یکی از مهم ترین برنامه های آنان گره گشایی از کار دیگران، برطرف کردن مشکلی از زندگی دیگران، دلجویی و مدارا کردن، زدودن اندوه از قلب و چهره دیگران است، چنین افرادی دارای روحی بزرگ هستند.

اما عده ای از مردم فکر می کنند اگر به حل مشکلات دیگران بپردازند از پیشرفت در زندگی باز می مانند در حالی که منطق اسلام غیر از این است و در روایات فراوانی اهل بیت علیهم السلام مسلمانان را دعوت می کنند تا در رفع نیازمندی های یکدیگر کوشا باشند و همین باعث می شود که خداوند مشکل خودش را حل نماید، زیرا باید بدانیم خداوندی که قدرتش مافوق قدرت ها است می تواند به انسان بیش از دیگران کمک کند و مشکلات انسان ها به ویژه افراد نیکوکار را حل نماید. این موضوع را بارها به چشم خود دیده ایم افرادی بوده اند که به دیگران کمک کرده اند به طور شگفت آوری مشکلات خودشان حل شده است و حتی موفقیت های چشمگیری پیدا کرده اند که تنها با توجه به امدادهای الهی قابل توجیه است.

ص:۸۸

۱- . اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۰ و بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۲۱، ح ۸۸.

در هر صورت گره گشایی از کار دیگران ضمن این که بسیار ارزشمند است آثار و ثمرات فراوان نیز دارد روح انسان را شاداب، قلب دیگری را شاداب، جامعه ی اسلامی از وی راضی و به وجود چنین شخصی افتخار می کنند، افزون بر آن افرادی نیز هستند که روزی متقابلاً گره و گرفتاری از چنین شخصی بگشایند، همچنین آثار اخروی نیز دارد که امام هشتم علیه السلام به یکی از مهم ترین آنها اشاره نموده و می فرماید: خداوند در روز رستاخیز، اندوه از قلب وی می زداید.

ص:۸۹

گناه پنهان و آشکار

امام رضا علیه السلام فرمود: «المُـذِیعُ بالسَّیئَهِ مَخـذُولُ وَ المُسـتِتَرُ بِالسَّیئَهِ مَغفُورُ لَهُ».(۱) آن کسی که گناه را نشر دهد، مطرود است و آن که گناه را پنهانی انجام دهد مشمول آمرزش الهی است.

شرح: انسان موجودی اجتماعی است. اجتماع مانند خانه است که بایـد در حفظ و پاسداری از حریم آن نهایت تلاش را انجام دهیم. حریم جامعه مانند حریم خانه انسان است، پاکی جامعه به پاکی انسان و فرزندان کمک می کند، همان گونه که آلودگی جامعه در آلودگی خانواده سرایت می کند، بر همین اساس اسلام ضمن آن که با ارتکاب گناه در پنهانی مخالف است، با ارتکاب گناه به طور آشکار و در محیط زندگی و جامعه با شدت بیشتری مخالفت و با آن مبارزه می کند، زیرا گناه جو جامعه را مسموم و آلوده می کند و حرمت آن را از بین می برد، ایجاد مراکز فساد و فحشاء، تشویق به گناه، پدید آوردن زمینه علنی گناه و دامن زدن به تهمت ها همه از مصادیق اشاعه ی فحشا و گناه اجتماعی است. به همین علت امام هشتم علیه السلام می فرماید: کسی که گناه را نشر دهد و به طور آشکار گناه انجام دهد مطرود خداوند است و زمینه ی آمرزش را از بین برده است به خلاف گناه پنهان که مشمول آمرزش الهی است و زمینه آمرزش همچنان فراهم است و آن پشیمانی و توبه است.

در واقع گناه مانند آتشی کوچک است که اگر در یک نقطه باشد به سرعت می توان آن را خاموش کرد اما اگر به آتش دامن

۱- . اصول کافی، ج ۲، ص۴۲۸ ب. سترالذنوب.

زده شود و به چند نقطه برده شود حریق همه جا را فرا خواهد گرفت و توانایی کنترل آن از بین خواهد رفت.

حریم جامعه اسلامی و حفظ ظواهر آن اقتضا می کند که در برابر فساد باید سد ایجاد کرد و از نشر گناه و تجاهر به فسق جلوگیری کرد تا محیط مسلمانان از آلودگی ها حفظ شود و سالم بماند. یادآوری می شود که سخن امام هشتم علیه السلام مجوز بر ارتکاب گناه در پنهانی نیست تا کسی بگوید در پنهانی چون گناه آمرزیده می شود پس گناه اشکال ندارد، خیر گناه هر کجا و هر گونه که باشد حرام و تخلف در برابر خالق باعظمت است اما در نهانی به خاطر سرایت نکردن به دیگران زمینه آمرزش آن با توبه و استغفار سریع تر است.

ص:۹۱

شرط مسلمان بودن

امام رضا علیه السلام فرمود: «المُسلِمُ الَّذِی یَسلَمُ المُسلِمُونَ مِن لِسَانِهِ وَ یدِهِ و لَیسَ مِنَّا مَن لَم یأمَن جَارُهُ بَوَائِقَهُ»(۱)؛ مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از زبان و دستش آسوده باشند و کسی که همسایه اش از شر او در امان نباشد از ما نیست.

شرح: جامعه ی اسلامی باید برای دیگر جوامع از نظر اخلاقی الگو و نمونه باشد، یکی از ویژگی های مسلمانان آرامش اجتماعی در میان آنان است و آرامش به این است که با هم تعاون و همکاری داشته باشند، نیازمندی های یکدیگر را برآورده کنند و اگر با هم همکاری ندارند لااقل نباید به یکدیگر اذیت و آزار رسانند و مردم آزاری از صفات بسیار زشت است به ویژه برای مسلمانان که باید امتی الگو باشند. به همین جهت امام هشتم علیه السلام می فرماید: مسلمان باید به گونه ای باشد که همسایگان، مردم کوچه و بازار [=سایر مسلمانان] از دست و زبان او آسوده باشند، گفتار و کردار وی برای دیگران خیر و برکت داشته باشد. در سخن گفتن، نیک بگوید، با دیگران مشورت کند، احترام سایر افراد را نگه دارد، زبان بد نداشته باشد، فحش ندهد، ناسزا نگوید، بدزبانی نکند، دعوا نکند.

نزدیک ترین افراد پس از اعضای خانواده همسایه ی انسان است. اسلام برای همسایه جایگاه ویژه ای قایل است. سفارش های زیادی از پیشوایان دینی بر خدمت کردن و احترام به همسایه رسیده است تا جایی که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به علی علیه السلام، ابوذر و سلمان

۱- . عیون اخبار الرضا، ج ۲، ۲۷، باب ۳۱.

دستور داد تا به مسجد بروند و با صدای بلند بگویند: کسی که همسایه اش از شر او در امان نباشد ایمان ندارد.(۱)

بنـابراین وظیفه است از حـال همسایه باخبر شویم، در غم و شادی وی شـرکت جوییم، در مشـکلات و نیازمنـدی ها او را یاری دهیم، اگر مریض شـد به عیادتش برویم، از اشـتباهات و لغزش او درگـذریم و نباید هیچ گونه اذیت و آزاری به او برسانیم. به همین علت امام هشـتم علیه السـلام می فرماید: اگر کسـی، همسایه اش از شـرش در امان نباشد و او را اذیت و آزار نماید از ما نیست، یعنی او را دوست نداریم و این شخص از شیعیان امام هشتم نخواهد بود.

۱- . اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۶.

سپاسگزاری در برابر دیگران

امام رضا علیه السلام فرمود: «مَن لَم یَشکُرِ المُنعِمَ مِنَ المَخلُوقِینَ لَم یَشکِرُ اللهَ عَزَّوَجَلَّ»(۱). کسی که در برابر بندگان خدا که چیزی به انسان می بخشند سپاسگزاری نکند، سپاسگزار خداوند نیست.

شرح: قدردانی و سپاسگزاری در برابر کارهای نیک دیگران وظیفه هر انسان آگاهی است . از نظر تربیتی در روح خود انسان و فردی که کار نیک انجام داده است، آرامش روانی و تشویق به کار نیک به دنبال خواهد داشت. در آیات زیادی خداوند مردم را به شکر و سپاسگزاری دعوت می کند و روشن است زنده کردن حس شکرگزاری و قدردانی در مردم خود موجب افزایش نعمت و آرامش روانی جامعه خواهد بود و سود آن به خود انسان می رسد و در مقابل بی توجهی به تشکر کردن از دیگران دلیل سودجویی شخص و نداشتن شناخت و معرفت لازم است، به همین جهت کسی که از بندگان خدا نمی تواند قدردانی و سپاسگزاری کند چگونه می تواند سپاسگزار خداوند با آن همه نعمت های فراوان باشد.

شکر در برابر خداوند بر همین اساس است، خداوند از همگان بی نیاز است و به همه نیز نعمت های بی شمار داده است اگر کسی اهل معرفت و شناخت باشد می تواند در برابر خداوند بزرگ و بخشنده شکرگزاری کند. حتی فرمانش را به جان و دل بپذیرد و به همین وسیله هدایت و تربیت شود در نتیجه سود آن به خود شکرگزار بر می گردد زیرا اگر همه موجودات شکرگزاری خدا کنند چیزی بر عظمتش افزوده نمی شود و اگر جمله کاینات کافر گردند بر دامن کبریاییش گرد ننشیند.

ص:۹۴

۱- . عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ب ۳۱، ص ۲۷.

نظافت و آراستگی

امام رضا علیه السلام فرمود: «مِن اَخلاقِ الاَنبِیاءِ التَّنظفُ».(۱) از جمله اخلاق پیامبران نظافت و پاکیزگی است.

حس زیبایی یکی از مهم ترین ابعاد چهارگانه (حس نیکی، حس دانایی و حس مذهبی و حس زیبایی) روح انسانی است و روانشناسان معتقدند تمام زیبایی های ادبی، شعری، صنایع ظریف هنری و دستی و... هر آن چه در زیر مجموعه هنر هست مولود این حس می باشد.(۲)

در آیات قرآن و روایات فراوان به استفاده کردن از زیبایی های طبیعت، برخورداری از چهره ای آراسته و پاکیزه، لباس های زیبا و متناسب، به کار بردن عطر و مانند آن سفارش شده است. قرآن کریم دستور می دهد که هنگام رفتن به مسجد با آراستگی بروند که اشاره به زینت های مادی مانند پوشیدن لباس های مرتب و پاکیزه، شانه زدن موها، به کار بردن عطر و مانند آن دارد و هم شامل زینت های معنوی یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص(۳) است و در آیه ای دیگر نیز با نوعی تندی نسبت به کسانی که تصور می کنند اسلام به پاکیزگی اهمیت نداده است می فرماید: «چه کسی زینت های الهی که برای بندگانش آفریده و روزی های پاکیزه را بر بندگان حرام کرده است»(۴) و این نشان می دهد که قوانین دین اسلام هماهنگ با ویژگی های

۱- . تحف العقول، ص ۵۱۹ و بحارالانوار، ۷۸، ص ۳۳۵.

۲- . ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۵۰.

۳- . اعراف، ۳۱.

۴- . همان، ۳۲.

روحی و جسمی انسان است و به قول معروف عالم تشریع و تکوین با هم هماهنگ است اما در هر چیز لازم است حد اعتدال و میانه روی رعایت شود و متأسفانه مردم در این گونه برنامه ها راه افراط می روند و به بهانه های مختلف به تجمل پرستی و خودنمایی روی می آورند و چه بسا به حرام نیز مبتلا می شوند که از جمله آنها زیباگرایی و آرایش بانوان در دید افراد نامحرم و ... است. بنابراین اسلام مخالف زینت و زیبایی نیست اما اسراف گرایی در آن را نیز نمی پسندد.

یکی از مصادیق زیبایی، پاکیزگی بدن و لباس است.

امام هشتم علیه السلام در حدیث فوق، نظافت و پاکیزگی را از اخلاق پیامبران الهی دانسته است حتی در روایات آمده است که هر گاه آن امام برای ملاقات با مردم از منزل بیرون می آمدند خود را آراسته کرده و لباس زیبا می پوشیدند.(۱)

۱- . عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ۱۷۸، حدیث ۱.

سکوت مهرآور

امام رضا علیه السلام فرمود: «الصَّمتَ بَابٌ مِن اَبوَابِ الحِکَمهِ إنَّ الصَّمتَ یَکسِبُ المَحَبَّهَ إنُّهَ دلِیلُ عَلَی کُلِّ خَیرٍ».(۱) سکوت دری از درهای حکمت است، سکوت مهر و محبت آور است چرا که بر هر نیکی راهنما است.

شرح: سکوت و خاموشی نشانه خردمندی و عقل انسان است. موارد بسیاری است که انسان لب به سخن می گشاید اما سکوت برتر است، سکوت پشیمانی نمی آورد، انسان را به تفکر و تأمل وامی دارد، در بسیاری موارد موجب محبت در دل های دیگران است که دیگران را جذب می کند و چه بسا به سکوت غبطه می خورند.

بسیارند کسانی که از سخن گفتن نادم و پشیمان اند اما به خاطر سکوت هیچ گاه اظهار ندامت نمی کنند. شاعر عرب می گوید:

«ما إن ندمت علی السکوت مرهٔ و لقد ندمت علی الکلام مراراً»

به خاطر سکوت یک بار هم دریغ نخوردم اما به خاطر گفته ها بارها پشیمان شده ام.

منشأ بسیاری از گناهان زبان است، دروغ، تهمت، غیبت، فحش و ناسزا گفتن، هرزه زبانی که هر یک گناهی بزرگ و همه از آفات زبان است. به همین علت زبان به منزله ی اسب سرکش است که باید به مهار و کنترل عقل درآید این باعث می شود انسان هر کجا سخن نگوید، در سخن گفتن تأمل کند، زبان خود را حفظ نماید و اگر این اختیار را نداشته باشد عواقب بد و

ص:۹۷

۱- . تحف العقول،ص ۸۰۲.

زیان باری به دنبال خواهد داشت.

سخن پرورده پیر کهن بیندیشد آن گه بگوید سخن

به همین جهت امام هشتم علیه السلام سکوت را دری از درهای حکمت می داند که موجب جلب محبت و دلها است و باعث می شود تا به راه های نیک روی بیاورد.

یادآوری این نکته ضروری می نماید که منظور امام علیه السلام این نیست که انسان همیشه و در همه حال لب فرو بندد و زبان به سخن نگشاید که حتی در مقام احقاق حق خود و دیگران سکوت اختیار کند و به دفاع از خود برنخیزد بلکه مقصود جلوگیری از هرزه گویی و زیاده روی در سخن است و اگر روایت فوق را این گونه تفسیر کنیم که انسان باید در هر حالتی حتی در برابر ستم ستمکاران و افساد مفسدان مهر سکوت بر لب زند و فریاد برنیاورد چنین تفسیری مخالف شریعت

اسلام است، زیرا امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین واجباتی است که با سکوت از بین می رود و باعث گسترش فحشاء و منکرات می شود و سکوت در برابر ظلم گناهی بزرگ و نابخشودنی است اگر در برابر مفاسد و مظالم سکوت کنند اسلام به خطر می افتد و دین نزد مردم بی اهمیت خواهد شد، در این گونه موارد اسلام دستور می دهد سکوت را بشکنید و داد و فریاد بزنید و مردم را علیه فساد و ستم برانگیزانید.

ص:۹۸

ثروت و انگیزه های جمع آوری آن

امام رضا علیه السلام فرمود: «لَایَجتَمِعُ الَمالُ اِلاّ بِخصِالٍ خَمسٍ: بِبخُلِ شَدیدٍ وَ اَملٍ طَوِیلٍ و حِرصٍ غَالِبٍ وَ قَطَیعهِ الَّرحمِ وَ ایثَارِ الدُّنَیا عَلَی الآخَرهِ»(۱)؛ مال جز با پنج خصلت در یک جا جمع نمی شود: بخل زیاد، آرزوی طولانی، حرص زیاد، قطع رحم و برگزیدن دنیا بر آخرت.

شرح: ثروت اندوزی بدون این که اموال در چرخه ی کار قرار گیرند، بزرگ ترین آفت جوامع به شمار می رود، در واقع نوعی آماس و بیماری است، ثروت، سرمایه کار و فعالیت و پیشرفت زندگی است اما برخی تصور می کنند سعادت و برآورده شدن آرزوی آنها تنها در اندوختن مال است در حالی که در کنار آنها افرادی نیازمند هستند که نیاز آنها با سرمایه ای جزئی همراه با کار و فعالیت برطرف می شود یا افراد فقیری هستند که با انفاق مشکل آنها حل می شود.

دنیاطلبی، حرص و بخل از انگیزه های ثروت اندوزی است زیرا علاقه زیاد به مال و ثروت و لذت بردن از زرق و برق درهم و دینار باعث می شود انسان برای خود بتی به نام پول درست کند.

ثروت اندوزانی هستند که مال را به عنوان یک هدف می نگرند و حاضر نیستند نه تنها در منافع دیگران که حتی در منافع خود هزینه کنند، اینان در جمع آوری مال نهایت تلاش را به کار خواهند بست و چه بسا به هر وسیله از راه حلال یا حرام به دنبال آن خواهند رفت و به مرور زمان آن را نشانه ی عظمت و برتری

۱- . حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۶۸، حدیث ۷.

شخصیت خود بدانند در نتیجه روز به روز بر حرص آنها افزون تر می گردد. قرآن کریم به این افراد که ثروت اندوزند و در راه خدا انفاق نمی کنند وعده عذاب دردناك آتش جهنم داده است.(۱)

این افراد مال و ثروت دنیا را برای رفع نیازهای زندگی نمی خواهند بلکه به دنبال دنیاطلبی و آرزوهای دراز هستند، مال و ثروت اگر برای رفع نیازهای زندگی، در حد معتدل و از راه مشروع باشد نه تنها مذموم نیست بلکه مورد ستایش است و قرآن آن را فضل الهی می داند.(۲)چنین مالی نه طغیان آور است و نه مایه ی تفاخر. اما مالی که معبود انسان و هدف نهایی شود صاحبان آن مانند قارون هستند که ثروت روی هم انباشته می کنند و اموالشان سبب طغیانگری، مصیبت و دوری از خدا و در آخرت نیز نصیب آنها آتش دوزخ خواهد بود.

نکته مهم این است که ثروت اندوزی بر اثر برخی صفات و انگیزه های ناشایست شکل می گیرد که باید از آنها دوری جست. امام هشتم علیه السلام به مهم ترین آنها اشاره نموده اند:

۱- بخل شدید

۲ - آرزوی طولانی

۳ - حرص غالب

۴ - قطع رحم

۵ - برگزیدن دنیا بر آخرت

ص:۱۰۰

۱- . توبه/ ۳۴ و ۳۵.

۲- . عنکبوت / ۱۷، جمعه/۱۰.

کمک به ناتوان

امام رضا علیه السلام فرمود: «عَونُکَ لِلضَّعیفِ افضَلُ مِنَ الصَّدَقهِ»(۱)؛ کمک به ناتوان بهتر از صدقه دادن است.

شرح: هر جامعه ای دارای افراد متفاوت با ویژگی ها و استعدادهای مختلفی است، برخی توانا، برخی ناتوان، برخی ثروتمند، برخی فقیر، برخی شجاع، برخی اهل بخشش، برخی بخیل و .... این اختلافات باعث می شود تا زمینه نیاز انسان به یکدیگر فراهم آید و باعث شود تا انسان ها با یکدیگر همکاری داشته باشند.

دین اسلام در تمام زمینه های مثبت دعوت به همکاری با یکدیگر می نماید و یکی از اصول کلی اسلام این است که مسلمانان موظفند در کارهای نیک یکدیگر را یاری رسانند و در برنامه های مفید و سازنده با هم تعاون و همکاری داشته باشند.

یکی از موارد همکاری که در روایت فوق آمده است کمک به ناتوان است و منظور ناتوانی مالی نیست زیرا حضرت مسأله ی صدقه را مطرح می کند که کمک کردن به ناتوان برتر از صدقه دادن است. در نتیجه ناتوانی جسمی، ناتوانی در برابر ستم ستمکار را نیز شامل می شود که انسان نباید با مشاهده ناتوانی ها تماشاگر افراد ناتوان باشد بلکه باید به یاری انسان ناتوان بشتابد، کسی که در راهی باز مانده است، کسی که ناتوانی جسمی دارد، کسی که مورد ستم واقع شده و حق او پایمال گردیده، فرد فرد انسان ها در برابر اینان مسئول اند. البته انسان به فردی که فقر مادی دارد نیز

۱- . تحف العقول، ص ۴۷۰.

مسئول است که به وی کمک مالی کند و صدقه بدهد اما کمک کردن به انسان ستمدیده و انسانی که از نظر جسمی توانایی ندارد برتر از کمک کردن و صدقه دادن به فقیر می باشد.

ره نیک مردان آزاده گیر چون استاده دست افتاده گیر

ص:۱۰۲

احکام و فلسفه آن

اشاره

ص:۱۰۳

فلسفه خواندن نماز

امام هشتم علیه السلام درباره فلسفه نماز فرمود: «لِانَّ فِی الصَّلاهِ الاقرارَ بالِرُّبوبِیَّهِ»(۱). نماز اقرار به ربوبیت خداوند متعال است.

شرح: بسیاری از خود می پرسند ما چرا نماز می خوانیم و فلسفه خواندن نماز چیست؟ بدون تردید هیچ دستور و احکامی که از جانب خداوند صادر شده است بدون علت و فلسفه نیست، نماز نیز یکی از آنها است، نماز یکی از بهترین مصداق های پرستش است. هم پرستش قولی است و هم پرستش عملی. پرستش قولی است زیرا دارای اذکاری مانند قرائت حمد و سوره، ذکر رکوع و سجود و تسبیحات می باشد و پرستش عملی است زیرا دارای قیام، رکوع و سجود است، بنابراین پرستشی معنادار و باهدف است، انسان با نماز و پرستش حقیقت بلکه حقایقی را ابراز می دارد.

یکی از مهم ترین فلسفه های نماز، توجه به ابعاد معنوی آن و ارتباط با خداوند است، قرآن کریم یاد خدا را علت اقامه ی نماز می داند.(۲) نماز اقرار به خضوع و خشوع در برابر معبودی بی نظیر است، اقرار به توحید و یگانگی خدا، اقرار به مالک و صاحبی است که پرورش دهنده ی همه موجودات است و به اصطلاح قرآن، اقرار به «ربّ(۳) العالمین» است. امام هشتم علیه السلام در سخن فوق به مهم ترین فلسفه نماز یعنی اقرار به ربوبیت اشاره می کند. با چنین اقراری خط بطلان بر همه «ربّ النوع ها» و خدایان

ص:۱۰۴

۱- . عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۰.

۲- . می فرماید: «اقم الصلوه لذکری»، طه / ۱۴.

۳- . واژه «رب» به طور مطلق تنها بر خداوند اطلاق می شود و برای غیر خداوند به صورت اضافه به کار می رود مانند «ربّ الدار» (صاحب خانه)، «ربّ السفینه» (صاحب کشتی). ر.ك: راغب اصفهانی، مفردات، ماده ربّ.

باطل و بت هایی که به دروغ مورد پرستش قرار می گیرند کشیده می شود. جالب این که ما مسلمانان در شبانه روز حداقل در نمازهـای واجب ده بار به ربوبیت خداونـد جهان آفرین اقرار می کنیم تا بفهمیم هم خـدای یگانه مالک و صاحب ما و همه ی موجودات است هم پرورش دهنده آنهاست.

بـا دقـت در ریزه کـاری هـا و ظرافـت موجـودات هسـتی چـه جانـدار و چه بی جـان متـوجه می شـویم که پرورش دهنـده این موجودات چه قـدر عالم، حکیم و قدرتمنـد است، حرکت های زیبای سـتارگان و سـیارات که شب و روز و فصل های سال را تشـکیل می دهنـد حیوان و انسانی که با یک نطفه پدید آمده، پرورش یافته و تبدیل به یک موجود زنده بسـیار شـگفت انگیز شـده است، این تنها با تربیت حکیمانه امکان پـذیر است موجود کوچکی مانند زنبور عسل دارای بال، چشم، پا، دست، دهان، نوع تغذیه و تولید بسیار زیبای عسل که شگفتی همه را برانگیخته است و موجودی مانند شتر با جسمی بزرگ دارای کوهان و ویژگی های جسمی خاص و توانایی های مخصوص به خود، موجودی مانند انسان که تمام ویژگی های جسمی و اعضای بدن وی و نیز تمـام ویژگی های روحی، عاطفی و احساسات و غرایز او شـگفت انگیز و ناشـناخته است همه و همه به ما می فهماند تمـام ذرات جهـان هستی از ناحیه ی موجودی قدرتمنـد و آگاه تربیت می شود که آن خداونـدی است که مالک و صاحب و پرورش دهنـده ماست و در نماز است که اقرار می کنیم، همه سـتایش ها از آن اوست، او پروردگار جهانیان است، بخشـنده و مهربـان نسـبت به همه بنـدگان به ویژه مؤمنـان است و او مـالکیت مطلق در روز رسـتاخیز دارد، پس شایسـته است که در برابر چنین خدایی سر کرنش فرود آوریم، تنها او را بپرستیم و از او یاری بجوییم و این همان اقرار به ربوبیت است.

ص:۱۰۵

حکمت خواندن سوره حمد در هر نماز

امام رضا علیه السلام فرمود: «لِاَنَّهُ لَیسَ شَیءٌ فی القُرآنِ و الَکلامِ جُمِعَ فیهِ جَوَامِعِ الخَیرِ وَ الحِکَمهِ مَا جُمِعَ فِی سُورَهِ الحَمدِ(۱)». زیرا هیچ چیزی در قرآن و سخنان دیگر که تمام خیر و حکمت در آن جمع شده باشد مانند آن چه در سوره حمد جمع شده باشد، نیست.

شرح: چرا در هر نماز باید سوره حمد بخوانیم و هیچ سوره ای دیگر جایگزین آن نمی شود؟ در روایت فوق به این پرسش پاسخ می دهد، توضیح این که این سوره در میان سوره های قرآن از نظر محتوا، آهنگ و تأثیر روحی و روانی درخشش فوق العاده ای دارد.

در روایات آمده است که سوره حمد اساس قرآن است(۲)، همچنین آمده است که در هیچ کتاب آسمانی نظیر تورات، انجیل یا زبور مانند سوره حمد نازل نشده است.(۳)

با نگاهی به هدف و محتوای سوره حمد روشن می شود که مهم ترین اهداف سوره های دیگر در این سوره آمده است و آن اثبات ربوبیت و عبودیت است که هدف اساسی قرآن نیز همین است(۴) و محتوای این سوره نیز خلاصه و فهرستی از مجموع قرآن است، بخشی از آن، مانند «ربّ العالمین»، «رحمن»، «رحیم» و .... درباره ی توحید و صفات خدا است و بخشی از آن (مالک یوم الدّین) مربوط به رستاخیز و بخشی دیگر درباره هدایت و ضلالت است و انسان را با راه راست یعنی راه نعمت داده شدگان

۱- . عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۱۱۴

۲- . حویزی، نور الثقلین، ج ۱، ۳ و مجمع البیان، ج ۱، ۸۷.

۳- . طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ۸۷.

۴- . مجمع البیان، همان.

آشنا می سازد و راه های انحرافی یعنی راه مغضوبین و ضالّین را مشخص می کند.

به همین جهت خداوند این سوره را با حجم کوچک خود در برابر تمام قرآن قرار داده است زیرا خداوند می فرماید: «ای پیامبر ما به تو «سبع المثانی» یعنی سوره حمد که هفت آیه است و قرآن داده ایم»(۱).

ویژگی دیگر این سوره این که تبلوری از ارتباط بدون واسطه میان انسان و خدا است، جمله های زیبای آن مانند: «خدایا تنها تو را می پرستم و تنها از تو یاری می خواهم، ما را به راه راست هدایت نما» تعبیراتی است که انسان را به طور کامل به خدا نزدیک می کند، به ویژه این که به طور مکرر در شبانه روز انسان آن را تکرار نموده و رابطه خود را با خدا قوی تر می نماید.

این سوره اساساً با سوره های دیگر از نظر لحن و آهنگ، تفاوت روشنی دارد، زیرا سوره های دیگر همه به عنوان سخن خداست اما این سوره از زبان بندگان است و خداوند شیوه مناجات و سخن گفتن با خود را به بندگانش می آموزد،(۲) چرا که یک قسمت آن تا «مالک یوم الدین»مربوط به حمد و سپاس و صفات خداوند است تا بندگانش در آغاز خدا را بشناسند و پس از آن به مناجات با او بپردازند و قسمت دیگر که از «ایاک نعبد» تا آخر سوره است کاملاً مربوط به بنده و چگونگی سخن گفتن و مناجات با خداست، به همین جهت در روایات می خوانیم هر گاه بنده بگوید: «ایاک نعبد» خداوند می فرماید: این بین من و بنده

۱- . تفسیر العیاشی، ج ۱، ۳۹ و ۴۰ و بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ۹۹ و ۱۰۰، ح ۱و ۳و ۵ و نیز ر.ک: شیخ طوسی، محمدبن علی، التهذیب، ج ۲، ۲۸۹.
۲- . ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲.

من است که او هر چه از من می خواهد درخواست کند.

با توجه به مطالب فوق اهمیت سخن امام هشتم علیه السلام روشن می شود که چگونه تمام خیر و حکمت در سوره حمد جمع شده است و در هیچ سوره و کلامی دیگر این چنین نیست.

نکته دیگر آثاری است که با خواندن این سوره به دست می آید، تلاوت این سوره با محتوای بزرگش، آثار زیر را در بردارد:

۱- باعث نزدیکی انسان با خدا می شود.

۲- روح ایمان را در انسان تقویت می کند.

۳- باعث اتکا و اعتماد انسان به خدای یگانه می شود.

۴- اراده انسان را نیرومند و تلاش او را برای اعمال صالح و امور دین بیشتر می کند.

۵- میان گناه و انحراف فاصله می اندازد.

ص:۱۰۸

چرا ارث زن نصف مرد است؟

امام رضا علیه السلام فرمود: «عِلَّهُ اِعطَاء النِّساءِ نصِفُ مَا یُعطَی الرِّجَالَ مِنَ المِیَراثِ لِاَنَّ المَرأهَ اَذا تَزَوَّجَت أَخَذَت و الرَّجُلُ یُعطِی فَلِذَلِکَ وُ فِّر عَلَی الرِّجَالِ»(۱). علت این که سهم زنان نصف سهم مردان از ارث است که زن هنگامی که ازدواج می کند مخارج و هزینه ی زندگی خود را می گیرد و مرد می پردازد و به همین علت سهم بیشتری به مردان داده شده است.

شرح: از نظر اسلام هر یک از زن و مرد ارث می برند اما ارث زن نصف ارث مرد است، اسلام این نظریه را در عصری مطرح کرده است که طبق سنت های جاهلی هیچ ارزشی برای زن قایل نبودند و زن به طور کلی از ارث محروم بود و هیچ گونه استقلالی نه از نظر اجتماعی و نه اقتصادی و نه سیاسی و ...نداشت، اسلام در ابعاد مختلف به زن ارزش داد و مسأله ارث زن و حقوق اقتصادی وی را مطرح کرد و به زن استقلال در مالکیت داد.

ارث زن اگر چه نصف مرد است اما با توجه به وظایفی که بر عهده مردان گذاشته شده است، نیمی از درآمد مردان صرف هزینه زنان می شود زیرا مرد باید هزینه زندگی همسر و فرزندان خود را تأمین کند، مسکن، پوشاک، خوراک و تهیه لوازم زندگی و مهریه ی زن بر عهده مرد است، این در حالی است که زنان از پرداخت هر گونه هزینه برای زندگی معاف و در مالکیت خود استقلال دارند. در نتیجه با ضرورت چنین مخارجی بر مرد بیش از نیمی از ثروت مردان در اختیار زنان قرار می گیرد ولی زن

ص:۱۰۹

۱- . عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۵.

هم چنان ارث و ثروت های دیگر خود را می تواند نگهدارد و مالک آن باشد و هیچ هزینه ای نیز بر او نیست، در واقع این زن است که ثروت و ارث او دو برابر مردان می باشد زیرا سهم زن از نظر مصرف و بهره برداری دو برابر مردان است، هم ارث می گیرد و هم دیگری مخارجش را می دهد.

و علت این که نفقه و مهریه لزوماً بر عهده مرد گذاشته شده است به خاطر توانایی، روحیات اجتماعی، طبیعت جسمی و ملاحظات روحی و روانی خاص مرد و زن است. از یک طرف آفرینش، حمل فرزند را بر عهده ی زن و جنس ماده گذاشته و قدرت جسمانی زن نیز کمتر از مرد است. در نتیجه قدرت تولید و تحصیل ثروت در زن به طور طبیعی کمتر از مرد خواهد شد، افزون بر آن اگر مخارج زندگی لزوماً بر عهده ی زن باشد با قدرتی که مردان در تحصیل ثروت دارند زنان ناچارند برای به دست آوردن مخارج زندگی از مردانی بیگانه و سودجو پیروی نموده و به مشاغلی ناخواسته روی آورند و چه بسا به فساد و فحشاء کشیده شوند که این موجب تزلزل اساس خانواده خواهد شد.

با توجه به سخن امام هشتم علیه السلام درباره فلسفه ارث زن و روایات دیگری که از دیگر امامان معصوم علیهم السلام رسیده است روشن می شود که این پرسش از صدر اسلام در اذهان مردم بوده است و پیشوایان دینی ما غالباً به یک مضمون به این سؤال پاسخ داده اند و آن این که هزینه ی زندگی همسر و فرزندان و پرداخت مهریه بر عهده مرد گذاشته شده است به همین جهت سهم آنها نیز بیشتر قرار داده شده است.(۱)

۱- . جهت اطلاعات بیشتر ر.ک: المیزان، ج ۴، ۲۱۵ و ۲۲۱ و تفسیر نمونه، ج ۳، ۲۹۰ و ۲۹۱ و مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۲۵-۲۲۳.

شرط امر به معروف و نهی از منکر

امام رضا علیه السلام فرمود: «و الاَمرُ بِالمَعروفِ وَ النَّهیُ عَنِ المُنکَرِ وَاجِبانِ اذَا امکَنَ وَ لَمْ یَکُن خَیفهُ عَلَی النَّفسِ»(۱)؛ امر به معروف و نهی از منکر دو واجب الهی است، در صورتی که ممکن باشد و ترس از ضرر جانی در آن نباشد.

شرح: جامعه مطلوب جامعه ای است که در آن نظارت و کنترل باشد، جامعه ای که بدون هدف در مسیر فساد حرکت کند، نتیجه اش تباهی و نابودی است، زیرا با رواج گناه و فساد منجر به تکذیب حقایق، گسترش باطل، جهالت، حاکمیت ظالمان و اهل باطل بر مردم خواهد شد. به همین جهت امر به معروف و نهی از منکر سبب کنترل جامعه، از گناه و فساد می شود و طبق آیات و روایات یکی از واجبات دینی جامعه اسلامی همین امر به معروف و نهی از منکر است. فرد فرد انسان ها در برابر این وظیفه الهی مسئولند و افراد نمی توانند در برابر مسائل جامعه خود بی تفاوت باشند، بی تفاوتی در برابر صحنه های آلوده، روح انسان را تاریک و زشتی گناه را در نظر انسان کم و چه بسا ممکن است شخص را به گناه عادت دهد، محیطی که آلوده باشد زندگی را بر خانواده ها تلخ می کند و چه بسا اعضای خانواده را به فساد مبتلا می کند.

طبق آیات و روایات امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجبات دینی جامعه اسلامی است و باید گروهی با عنوان آمران به معروف و نهی کنندگان از منکر در جامعه به این امر

۱- . عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ۱۳۳، ب ۳۵.

مهم بپردازند، تا مردم را به نیکی ها دعوت و از بدی ها بازدارند. اگر این فریضه ی الهی انجام شود گناه و فساد کمتر و راهها امن می شود. علم و دانش گسترش پیدا می کند، جهل و نادانی از بین می رود، کسی به دیگری نمی تواند ظلم کند.

اما آیا هر کسی می تواند این کار را انجام دهد؟ پاسخ این است که خیر! کسانی که می خواهند امر به معروف و نهی از منکر کنند خود باید شرایط لازم را داشته باشند، و این فریضه الهی وقتی بر آنان واجب است که خود آگاه به معروف و منکر باشند، همچنین عامل به این دو نیز باشند و احتمال تأثیر در طرف مقابل نیز داده شود، در هر صورت باید زمینه و امکان آن وجود داشته باشد، و اگر محذوری پیش بیاید، بدین معنا که طرف مقابل با آمر به معروف و ناهی از منکر درگیر شود، به نزاع، کشمکش و توهین منجر شود ضرر جانی و مالی برای او داشته باشد در این صورت واجب نیست.

به همین جهت امام هشتم علیه السلام امر به معروف و نهی از منکر را در صورتی واجب می داند که ممکن باشد و ضرر جانی نداشته باشد.

یادآوری این نکته ضروری می نماید امر به معروف و نهی از منکر دو مرحله دارد، یکی مرحله ی فردی که وظیفه عموم مردم است که هر کسی موظف است به تنهایی ناظر اعمال دیگران باشد و دیگری مرحله دسته جمعی که امتی موظفند برای پایان دادن آلودگی ها و نابسامانی های اجتماع دست به دست هم بدهند و با یکدیگر تشریک مساعی داشته باشند و چون این مرحله جنبه دسته جمعی دارد از وظایف و شئون حکومت اسلامی است تا گروهی را برای این کار مشخص کنند.

ص:۱۱۲

فقر مانع ازدواج نیست

امام رضا علیه السلام فرمود: «اِذَا خَطَبَ اَلیکَ رَجُلٌ رَضیتَ دِینَهُ وَ خَلَقهُ فَزَوَّجهُ وَ لَایَمَنَعکَ فَقُرهُ وَ فَاقَتُهُ»(۱)؛ وقتی مردی به خواستگاری می آید و اخلاقش رضایت بخش بود، دخترت را به ازدواج او دربیاور، فقر و نداری وی تو را از این کار منع نکند.

شرح: یکی از برنامه های تکاملی اسلام که در آیات قرآن و روایات بر آن تأکید شده است مسأله ی ازدواج است. یکی از مراحل مهم ازدواج انتخاب همسر شایسته است. در اسلام برای پایدار ماندن خانواده و زندگی بهتر پیش از تشکیل آن شرایطی برای هر یک از زن و مرد تعیین کرده است همان طور که زن باید عفیف، پاکدامن، باایمان و ... باشد مرد نیز باید دارای ایمان، تقوا، امانت داری، مبتلا نبودن به شراب خواری، فساد و ... باشد.

عده ای از مردم هنگام ازدواج دختر خود به دنبال این هستند که مرد دارای ثروت، شغل پردرآمد، خانه، ماشین مناسب و ... باشد. اما در روایت فوق امام رضا علیه السلام به دو شرط اساسی برای مرد اشاره می کند که دختران باید هنگام ازدواج با همسر دلخواه خود، این دو شرط را مدّ نظر داشته باشند: یکی دینداری و دیگری اخلاق نیک. مرد دیندار زندگی خود را بر اساس قوانین خوب و زیبای دینی اداره می کند، مرد دیندار به همسرش ستم نمی کند، غذای حرام در زندگی خود وارد نمی کند، خیانت نمی کند، همسرش را فریب نمی دهد، حقوق همسر خود بر اساس موازین دینی رعایت می کند، اما از آن جا که دینداری تنها کافی نیست

ص:۱۱۳

۱- . بحارالانوار، ج ۱۰۳، ۳۷۲ و میزان الحکمه، ج ۴، ۲۸۰، حدیث ۷۸۵۰.

حضرت اشاره می فرماید: مرد زندگی باید اخلاق خوب نیز داشته باشد، چه بسا فردی دیندار باشد اما بداخلاق باشد و این مرد برای زندگی خوب و همیشگی زجرآور خواهد بود.

حضرت به ثروت مرد اشاره ندارند بلکه به عکس می فرماید: اما اگر کسی فقیر بود فقر مانع انتخاب همسر دیندار نیست، زیرا فقر، با تلاش و کوشش در کسب و کار مرتفع می شود، بسیاری از مردها در آغاز زندگی امکانات کافی برای تشکیل یک زندگی مجهز ندارند اما به مرور زمان خداوند به زندگی افراد توسعه داده و از فضل و رحمت خودش انسان را بی نیاز می کند و در قرآن کریم وعده داده شده است که اگر کسی ازدواج کند به زندگی او توسعه داده می شود و امام هشتم علیه السلام آیاتی را گواه می آورد که خداوند از فضل خود به زندگی انسان توسعه می دهد. از جمله این آیه که می فرماید: «مردان و زنان بی همسر را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان درستکار را، و اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد، خداوند گشایش دهنده و آگاه است!(۱)

این وعده ی الهی بدین معنا نیست که از طریق معجزه آنان را بی نیاز خواهد کرد بلکه آغاز زندگی مشترک دو جوان، چه بسا از طرف والدین، اقوام و خویشان و افراد نیکوکار کمک هایی به آنان خواهد رسید ولی برای ادامه ی زندگی باید تلاش و فعالیت های ملموسی برای زندگی خود داشته باشند تا افراد به خود تکیه نموده و نیاز به کمک دیگران نداشته باشند، زیرا اسلام سستی و تنبلی در زندگی را دوست نمی دارد.

۱- . نور / ۳۲.

شراب منشأ فساد

امام رضا علیه السلام فرمود: «إنَّ اللّه تعالَی حَرَّمَ الخَمَر لِمَا فیهَا مِنَ الفَسَادِ وُ بُطلانِ العُقُولِ فِی الحَقَایِقِ وَ ذَهَابِ الحَیَاءِ مِنَ الوَجه... و هُوَ یُورِثَ مَعَ ذَلِکَ الّداءَ الدَّفینَ»(۱)؛ خداوند شراب را حرام کرد برای آن که منشأ فساد اجتماعی است و عقل را از درک حقایق باز می دارد، حیا را از روی شرابخوار می برد و در مواجهه ی با آدم شرم نمی کند».

شرح: یکی از گناهان قطعی و محرمات در دین اسلام خوردن شراب است که در آیات و روایات به عنوان «خمر» آمده است، خمر در اصل به معنای پوشش است و در اصطلاح شرعی به هر مایع مست کننده ای خمر گفته می شود، خواه از انگور یا کشمش یا خرما یا چیز دیگر و از هر نوع مشروب الکلی باشد.

به کار بردن واژه «خمر» برای مایع مست کننده به خاطر تناسب آن با معنای لغوی آن است زیرا شراب انسان را مست می کند و عقل را می پوشاند و نمی گذارد خوب و بد و زشت و زیبا از هم تشخیص داده شود.

به طور کلی مشروبات الکلی زیانهای فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود.

زیان رساندن به عمر انسان: طبق آمارهایی که از کشورهای غربی رسیده است حد متوسط عمر معتادان به الکل بین ۳۰ تا ۵۰ سال می باشد.

زیان اخلاقی: شخص الکلی با خوردن مشروبات الکلی عاطفه خانوادگی، محبت نسبت به همسر و فرزندان، تعاون و همکاری در

۱- . کافی، ج ۶، ص ۴۰۵ و مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۳۷ و مشابه این روایت در عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۱۰۵، حدیث ۲ آمده است.

جامعه یا به طور کلی از بین می رود یا این ویژگی ها در او ضعیف می شود.

زیان رساندن به نسل ها: انعقاد نطفه در حال مستی باعث انتقال عوارض الکلیسم و برخی بیماری های مزمن به فرزند می شود و اگر زن و مرد هر دو مست باشند تا صددرصد عوارض و بیماری های حاد به فرزندان منتقل خواهد شد.

زیان اجتماعی: ضرب و جرح، سرقت ها و جرایم جنسی مربوط به الکلی ها بیش از دیگران می باشد.

زیان اقتصادی: خرید و فروش شراب اگر چه برای کمپانی ها و بسیاری از دولت های غربی سودهای هنگفت به همراه دارد اما خسارت های ناشی از آن بسیار زیادتر از این سودها است، مرگ جوانان، از بین رفتن مغزهای متفکر، اتلاف وقت، بیماری های روحی و روانی در اجتماع، فساد نسل ها، عقب افتادن فرهنگ و از بین رفتن معنویت و .... بزرگ ترین خسارت های انسانی و مالی را به دنبال خواهد داشت بلکه این خسارت ها با هیچ پولی قابل جبران نیست. خلاصه این که اگر درب نیمی از میخانه ها را ببندند می توان ضمانت کرد که از نیمی از بیمارستان ها و تیمارستان ها بی نیاز می شویم(1) و در واقع مشروبات الکلی سرمنشأ و اساس بسیاری از گناهان و فسادها می باشد.

با توجه به زیان های مطرح شده امام رضا علیه السلام به چند نکته اساسی که در واقع فلسفه حرام بودن شراب است و همین واقعیت هایی است که امروزه مشاهده می شود، اشاره می نماید: یکی این که مایه ی فساد اجتماعی است. دیگر این که عقلها را

۱- . ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ۷۶-۷۴.

از درک حقـایق بـاز می دارد، حیـاء و شـرم از شـرابخوار می رود و با وجود همه ی این فسادها، بیماری های مزمن در اعضای بدن وارد شده و پایدار می ماند.

ص:۱۱۷

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، در احیاء التراث العربی، بی تا.

۲- صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، انتشارات مکتبه الحیدریه، قم، ط اول، ۱۴۲۵ ه.ق.

۳ - صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، مترجم علی اکبر غفاری و مستفید، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ه.ش.

۴- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۸ ق (۱۹۸۸ م.)

۵- طباطبائی، محمدحسین، المیزان، مؤسسه الاعلمی، بیروت.

۶- العیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ه.ق.

۷- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفا، بیروت، لبنان.

۸- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه.

۹- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.

۱۰- عطاردی، عزیزا...، مسند الامام الرضا علیه السلام، دار الصفوه، بیروت، الطبعه الثانیه، ۱۴۱۳ق. (۱۹۹۳م.)

۱۱- ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.، ۱۳۶۲ش.

ص:۱۱۸

۱۲- شبّر، سیدعبدا...، اخلاق شبّر، ترجمه جباران، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.

۱۳- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، صدرا، ۱۳۶۵ ش.

۱۴- مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی به ضمیمه شهید، انتشارات صدرا، ۱۳۶۰ش.

۱۵- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.

۱۶- سید بن طاووس حسینی، علی بن موسی، اللهوف فی قتلی الطفوف، انتشارات الشریف الرضی، طالاولی ۱۳۷۱ش/۱۴۱۲ق

۱۷- مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۰ ه.ش.

۱۸- حرانی، علی بن شعبه، تحف العقول، مترجم محمدباقر کمره ای، کتابچی، تهران، ۱۳۸۰ش.

۱۹- حویزی، محمدبن علی بن جمعه، نور الثقلین، المطبعه العلمیه، قم، ۱۳۸۳.

ص:۱۱۹

مجموعه کتاب های ره توشه:

آستان دوست

آیین محبت

باران فضیلت

برهان قاطع

پیروز حقیقی

جلوه وصال

حکایت آفتاب

خورشید شب

در دامان مهر

شرح بی نهایت

صحیفه ی صحت

نشانی بهشت

ص:۱۲۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹